

Research Paper

A paradigmatic model of tacit knowledge sharing with the aim of setting up entrepreneurship education in schools in Isfahan City

Farhad Shafiepour Motlagh*, Mohammad ali Nadi

1. Associate Professor of Educational Management, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran
2. Associate Professor of Educational Management, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Received: 2022/8/04
Accepted: 2022/12/18
PP:176-198

Use your device to scan and read the article online



DOI:
[10.30495/JEDU.2023.30821.6182](https://doi.org/10.30495/JEDU.2023.30821.6182)

Keywords:

Sharing tacit knowledge, schools, entrepreneurship education

Abstract

Introduction: Since the schools are not efficient in the usual way and the students are not able to attract the labor market after graduation, the aim of the current research was to present a paradigmatic model of tacit knowledge sharing with the aim of starting entrepreneurship education in schools.

research methodology:

Qualitative research method based on the data theory of Strauss and Corbin Foundation and the research environment were formed by all principals of elementary schools in Isfahan city in the academic year (2021-2022). The theoretical sampling method was used until saturation, and therefore, 27 elementary school principals of Isfahan city with more than 25 years of experience were selected as participants in the research. The method of data analysis was done by open, central and selective coding method. In this way, the open coding stage resulted in the number of 87 initial concepts, which were reduced by removing and adjusting identical codes, in the second stage, the number of 18 concepts was reduced, and after refining, the number of concepts remained 69.

Findings:

The components of the obtained model include: causal conditions with three main categories (organizational will, organizational motivation and implementation of knowledge management in the organization), background conditions with two main categories (individual and organizational conditions) Intervening conditions with three main categories (individual, social and organizational limitations), consequences with two main categories (management efficiency and effectiveness); and strategies with three main categories (improving insight, ability, and attitude). The sum of the mentioned factors can improve the sharing of tacit knowledge with the aim of entrepreneurship education.

Conclusion:

In order to set up entrepreneurship education in schools, it is necessary to provide the necessary motivation in school managers to share tacit knowledge and strengthen their will in this regard.

Citation: Shafiepour Motlagh Farhad, Nadi Mohammad Ali. (2023). A paradigmatic model of tacit knowledge sharing with the aim of setting up entrepreneurship education in schools, . Journal of New Approaches in Educational Administration; 13(6):176-198

Corresponding author: Farhad Shafiepour Motlagh

Address: Associate Professor of Educational administration, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran

Tell: 09131259477

Email: shafiepour@iaumahallat.ac.ir

Extended Abstract

Introduction:

Since the schools are not efficient in the usual way and the students are not able to attract the labor market after graduation, the aim of the current research was to present a paradigmatic model of tacit knowledge sharing with the aim of starting entrepreneurship education in schools.

Context:

The knowledge sharing has expanded in recent decades as a new approach to development of entrepreneurship in schools

Goal:

The aim of the current research was to present a paradigmatic model of tacit knowledge sharing with the aim of starting entrepreneurship education in schools.

Method:

Qualitative research method based on the data theory of Strauss and Corbin Foundation and the research environment were formed by all principals of elementary schools in Isfahan city in the academic year (2021-2022). The theoretical sampling method was used until saturation, and therefore, 27 elementary school principals of Isfahan city with more than 25 years of experience were selected as participants in the research. The method of data analysis was done

by open, central and selective coding method. In this way, the open coding stage resulted in the number of 87 initial concepts, which were reduced by removing and adjusting identical codes, in the second stage, the number of 18 concepts was reduced, and after refining, the number of concepts remained 69.

Findings:

The components of the obtained model include: causal conditions with three main categories (organizational will, organizational motivation and implementation of knowledge management in the organization), background conditions with two main categories (individual and organizational conditions) Intervening conditions with three main categories (individual, social and organizational limitations), consequences with two main categories (management efficiency and effectiveness); and strategies with three main categories (improving insight, ability, and attitude). The sum of the mentioned factors can improve the sharing of tacit knowledge with the aim of entrepreneurship education.

Results:

In order to set up entrepreneurship education in schools, it is necessary to provide the necessary motivation in school managers to share tacit knowledge and strengthen their will in this regard.

مقاله پژوهشی

مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس شهر اصفهان

فرهاد شفیع پور مطلق*^۱، محمد علی نادى^۲

۱. دانشیار رشته مدیریت آموزشی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران
 ۲. دانشیار رشته مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: از آنجایی که مدارس به شکل متداول کارآمدی ندارد و دانش آموزان بعد از فارغ التحصیلی قادر به جذب بازار کار نمی باشند، لذا باید مدارس به منظور راه اندازی آموزش کارآفرینی به اشتراک گذاری تجربیات ضمنی در این رابطه اقدام نمایند. هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس بوده است.

روش شناسی پژوهش: روش پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد اشتراوس و کوربین و محیط پژوهش را کلیه مدیران مدارس دوره ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی (۱۴۰۰-۱۴۰۱) تشکیل دادند. شیوه نمونه گیری به روش نظری تا حد اشباع استفاده شد و لذا ۲۷ نفر از مدیران ابتدایی شهر اصفهان با سابقه بالاتر از ۲۵ سال بعنوان مشارکت کنندگان در پژوهش انتخاب شدند. تکنیک گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق و شیوه تحلیل اطلاعات به روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفت. به این ترتیب مرحله کد گذاری باز به تعداد ۸۷ مفهوم اولیه منجر شد که با حذف و تعدیل کدهای همسان، در مرحله دوم تعداد ۱۸ مفهوم تقلیل یافتند و با انجام پالایش، تعداد ۶۹ مفهوم باقی ماند.

یافته‌ها: بر اساس یافته های پژوهش، اجزای مدل بدست آمده مشتمل بر این موارد است: شرایط علی با سه مقوله اصلی (اراده سازمانی، انگیزه سازمانی و اجرای مدیریت دانش در سازمان)، شرایط زمینه ای با دو مقوله اصلی (شرایط فردی، و سازمانی)، شرایط مداخله گر با سه مقوله اصلی (محدودیت فردی، اجتماعی و سازمانی)، پیامدها با دو مقوله اصلی (کارایی و اثربخشی مدیریت)؛ و راهبردها با سه مقوله اصلی (بهبود بینش، توانش، و نگرش).

بحث و نتیجه گیری: برای راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس باید انگیزه لازم را در مدیران مدارس برای به اشتراک گذاری دانش ضمنی فراهم کرد و اراده آنها را در این رابطه تقویت کرد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

شماره صفحات: ۱۷۶-۱۹۸

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/JEDU.2023.30821.6182

واژه‌های کلیدی:

به اشتراک گذاری دانش ضمنی، مدارس، آموزش کارآفرینی

استناد: شفیع پور مطلق فرهاد، نادى محمد علی، (۱۴۰۱)، مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس شهر اصفهان، دوماهنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۳ (۶): ۱۷۶-۱۹۸

* نویسنده مسئول: فرهاد شفیع پور مطلق

نشانی: دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

تلفن: ۰۹۱۳۱۲۵۹۴۷۷

پست الکترونیکی: shafiepour@iaumahallat.ac.ir

مقدمه

توسعه کارآفرینی وابسته به بهره گیری از مدیریت دانش در سازمانهاست (Audretsch, Belitski, Caiazza, & Lehmann, 2020). به اشتراک گذاری دانش ضمنی از ابعاد مدیریت دانش است (Bandera, Bartolacci, & Passerini, 2016). دانش ضمنی اجزای لاینفک دانش و قدرت بنیادین ذهن است. ویژگیهای دانش ضمنی عبارتند از عملی بودن، وابستگی به زمینه خاص خود، متمرکز بر چگونگی و دشوار برای کدگذاری، کمی شدن و انتقال به دیگران (Jalavandi, 2018). نوناکا و تاکوچی به طور مبسوط تری به طرح دانش ضمنی می پردازند. طبق نظر آنان «دانش ضمنی مهمترین نو دانش است که با زبان رسمی قابل بیان نیست. این نو دانش جنبه فردی دارد و ریشه های آن در دانش افراد نهفته است» (Nonaka, & Von Krogh, 2009). دانش ضمنی شامل عوامل ناملموسی از قبیل عقیده شخصی، خصیصه های فردی و سیستم مبتنی بار ارزش است. بر این اساس، مفهوم دانش ضمنی بیش از همه بر باورها دلالت دارد. با توسعه به اشتراک گذاری دانش ضمنی در مدارس فرصت هایی فراهم می شود که از طریق آن مدیران و معلمان به منظور راه اندازی آموزش کارآفرینی با یکدیگر به تبادل دانش می پردازند (Zaring, Gifford, & McKelvey, 2019). آموزش کارآفرینی، موجب ارتقای کارآیی بیرونی مدرسه می شود تا حدی که یادگیری در سطح اهداف روانی- حرکتی برای دانش آموزان فراهم می شود. متأسفانه علی رغم صرف منابع، مدارس چنانکه باید برای پرورش دانش آموزانی که بتوانند در سطوح عملی درگیر موضوعات یادگیری شوند، موفق نیستند و از اینرو کیفیت یادگیری دانش آموزان ضعیف است (Sabzeh, 2018, p.59).

یکی از عوامل مؤثر بر راه اندازی و اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس به اشتراک گذاری دانش ضمنی است بدین شیوه کلیه معلمان و مدیران با یکدیگر در رابطه با نحوه اجرای آموزش کارآفرینی در مدرسه به بحث و تبادل نظر می پردازند و کلیه دانش خود را به این منظور در دسترس مدیریت مدرسه قرار می دهند. بر طبق مطالعه (Fullan, 2002) نقش رهبری در ارتقای به اشتراک گذاری دانش قابل توجه است. بنابه مطالعه (Davis, Darling-Hammond, LaPointe, & Meyerson, 2005) موفقیت مدیران مدارس تحت تأثیر اجرای اقدامات سازمانی اثربخش بوده که از طریق به اشتراک گذاری دانش ضمنی بدست آمده است. برای به اشتراک گذاری دانش، ساختارهای غیررسمی در مدارس باید با ساختارهای رسمی مدرسه هماهنگ باشد، به طوری که ظرفیت منجر به تولید دانش جدید برای مدارس شود (Özmen, & Muratoglu, 2010). به اشتراک گذاری دانش مدیریتی منجر به افزایش ظرفیت های مدارس می شود (Cham, Lim, Cheng, & Lee, 2016). اقداماتی که در رابطه با بهره گیری از مدیریت دانش توسط مدیران مدارس صورت می گیرد، هم به جمع آوری اطلاعات پراکنده و ضمنی افراد برای بهبود برنامه ریزی مدرسه کمک می کند و هم از این طریق فرصتی فراهم می شود تا افراد ضمن استفاده از فناوری اطلاعات و توسعه تعامل افراد با یکدیگر به دانش مورد لزوم از طریق به اشتراک گذاری دانش دست یابند (Leung, 2010). این امر باعث می شود تا مشکلاتی که مدیران مدارس در فرایندهای مدیریت مدرسه با آنها روبرو هستند، کاهش یافته و برطرف گردد. به نقل از (Zafar, 2019) برخی از مطالعات انجام شده از قبیل مطالعات (OECD, 2006) در رابطه بهبود رهبری مدرسه؛ پروژه بین المللی مدیر مدرسه موفق (۲۰۰۳) دانشی را برای مدیریت مدرسه داری در دسترس مدیران قرار داده اند. برخی دیگر از مطالعات (Saud, & Hou Kilpatric, Johns, 2002; Mulford, Falk & Prescott, 2002; Mulford, Silins, Leithwood, 2004; Gurr, 2015) دانشی را در رابطه با مسائلی از قبیل مدارس پیشرو در عصر تغییر، رهبری به منظور افزایش مشارکت میان مدرسه و جامعه، رهبری به منظور ایجاد یادگیری سازمانی و بهبود نتایج تحصیلی دانش آموزان، بررسی جامع در مورد رهبری مدرسه موفق و ویژگیهای مدیران موفق در دسترس مدیران قرار داده اند.

برخی مطالعات دیگر بیانگر آنند که به اشتراک گذاری دانش از دو شیوه رسمی و غیررسمی ممکن پذیر است. اینترنتها، لیست سرورها (king & Zeithalm, 2003)؛ کارگاههای آموزشی و تورهای برنامه ریزی شده (Gau, 2004)؛ (Egbu and Botterill, 2002)؛ شبکه های اجتماعی و گروههای ساختار یافته، مانند گروههای هم کارکرد (Kim & Roselyn Lee, 2006) و مخازن دانش، بسته هایی هستند که اشتراک دانش به شیوه رسمی را امکان پذیر می سازند. گفتگوهای غیر رسمی و تعامل های شخصی بین همکاران از طریق سمینارهای غیر رسمی ملاقات های بدون برنامه گفتگو هنگام نوشیدن چای یا قهوه (گائو، ۲۰۰۴) چهره به چهره از طریق پست الکترونیک و گفتگوی تلفنی بین دو نفر (king, 2001) و یا از طریق یادداشتهای شخصی، چت و گروههای بحث شیوه های غیر رسمی به اشتراک گذاری تجارب و دانش هستند که قابل استفاده هستند (Jafarzadeh Kermani, 2012).

بنابه مطالعات (Studdard, Dutta, & Merenda, 2011; Papayannakis, Kastelli, I., Damigos, & Mavrotas, 2008)؛ (Karimi, Biemans, Lans, Aazami, & Mulder, 2016; Kavanagh, Murphy, & Dwyer, 2014; Dawson, & Jackson, 2013) ، برخی از مضامین آموزش کارآفرینی عبارتند از: آموزش کارآفرینی چیزی بیش از آماده سازی در مورد نحوه اداره یک تجارت است، مستلزم

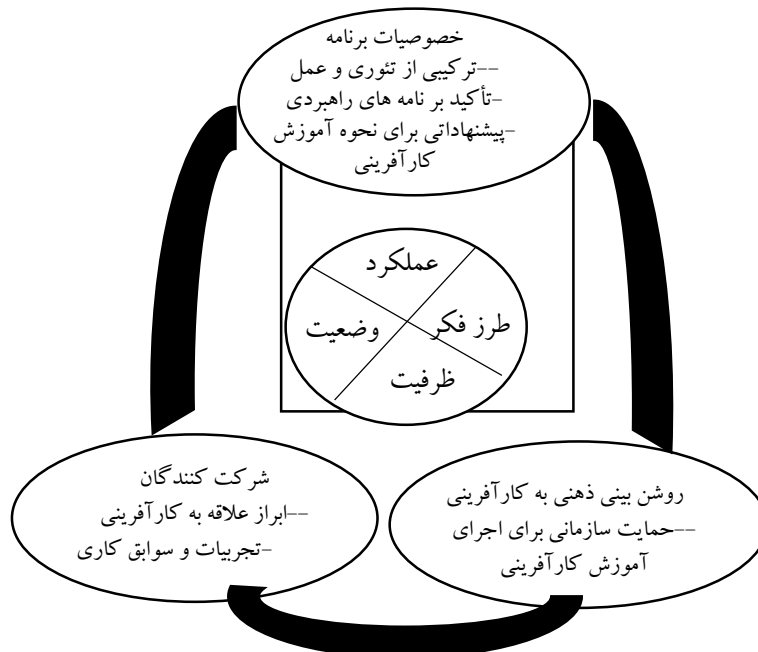
1. Tacit knowledge

2. International Successful School Principals Project

توسعه نگرش، بینش و مهارت کارآفرینی است، پرورش ایده است، درگیر کردن دانش آموزان در ایجاد خلاقیت و نوآوری است، دستیابی به دانش زندگی.

به هر حال گرچه مطالعات متعددی در رابطه با آموزش کارآفرینی و یا به در رابطه با به اشتراک گذاری دانش صورت پذیرفته است، اما اکثر آن مطالعات بصورت تک بُعدی به آن پرداخته اند و سعی داشته اند که یا از بُعد دروندادهای مورد لزوم و یا فرایندهای مؤثر بر توسعه آنها به پژوهش در این رابطه اقدام کنند. این در حالی است که خلاء قابل توجه این است که پژوهشی در رابطه با سازو کارهای بهره گیری از به اشتراک گذاری دانش ضمنی نشده است. به عبارتی به دانش ضمنی اعضای نظام های آموزشی از قبیل مدیران و معلمان برای راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس ملاحظه نگردیده است که بصورت کیفی صورت پذیرفته باشد و از سویی مهمتر راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس متداول به منظور ارتقای کارایی آموزش برای دانش آموزان ضرورت دارد. با آموزش کارآفرینی، پل ارتباطی بین فعالیت ها و فرایندهای یادگیری با واقعیاتی که دانش آموزان بعد از اتمام تحصیلات با آنها مواجه می شوند، برقرار و ذهنیتی در آنها پدید می شود که محتوای درسی را صرفاً برای نمره و اخذ مدرک تحصیلی مطالعه نکنند، بلکه سعی کنند با ایده هایی که در نتیجه یادگیری جایگاه کاربردی مطالب آموخته شکوفا و در ذهن آنها پرورش می یابد، به سطحی از نگرش، بینش و توانش دست یابند. بدین شیوه از آموزش، به مراتب بالای یادگیری می رسند تا حدی که استعدادهای آنها شکوفا و تفکر خلاقانه در آنها توسعه می یابد. از اینرو تلاش برای توسعه آموزش کارآفرینی در مدارس از یکسو موجب افزایش کارایی و اثربخشی آنها می گردد و از سویی دیگر زمینه تبلور سازی استعدادهای دانش آموزان فراهم می شود.

بنابه مطالعه (Brazeal, and Herbert, 1999) مدارس کارآفرین نه به معنای این هستند که بی ثبات بوده و برای حفظ وضعیت موجود تلاشی ندارند، بلکه چنین مدرسی برای محافظت از هسته عملیاتی سازمان در برابر اختلالات شرایط خارجی از طریق طراحی و اجرای برنامه های آموزشی، کمی متفاوت تر از سایر مدارس شناخته می شوند. چنین مدرسی ضمن پیروی از قوانین و مقررات آموزش همگانی، ممکن است از روشهایی برای آموزش به دانش آموزان استفاده نمایند که در سایر مدارس متداول نیست و این بیانگر نوآوری هایی بوده که در این مدارس یافت می شود. این از مشخصه بیانگر استفاده از راهبردهای پیش روندهای است که سازمانهای بالغ و سازگار دارند که از نظر ماهیت، واکنش پذیر و از سازو کارهای مؤثر برای ارتقای کیفیت خدمات خود استفاده می کنند (Pavitt, 1991). مجمع جهانی اقتصاد در گزارش خود (2014) با عنوان "آموزش موج بعدی کارآفرینان" اینگونه بیان می کند که آموزش کارآفرینی، فرصتی فراتر از منابع برای سازمانها فراهم می کند (Volkman, Wilson Mariotti, Rabuzzi, Vyakarnam, Sepulveda, 2009). بنا به بیانیه کمیسیون اروپایی (European Commission, 2015) کارآفرینی مهارتی است که می توان آن را آموخت.



منبع: اقتباس از (Robb & Valerio, Parton, 2014, p71, به نقل از, Egerová, Ubrežiová, Nowiński, & Czégledi, 2016)

برای راه اندازی یک تجارت موفق نیازی نیست که یک کارآفرین به دنیا بیاید، بلکه درهم تنیده شدن مجموعه ذهنیت و مهارت های فردی برای کارآفرین شدن ضرورت دارد. هدف اصلی کمیسیون اروپا، ارتقای آموزش کارآفرینی و تأکید بر اهمیت آن در تمام سطوح از دبستان تا دانشگاه و فراتر از آن است. "

آموزش کارآفرینی مادامی می تواند بر اساس به اشتراک گذاری دانش ضمنی در مدارس گسترش یابد که از سوی مدیران به چهار عامل عملکرد، طرز فکر، وضعیت مدرسه و ظرفیت ها بیش از پیش توجه شود.

کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می شود و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصتهای جدید یاددهی و یادگیری می گردد. نقش مدیر در مجموعه هایی که کارآفرینی از ضروریات و عامل اصلی است بسیار مهم و حساس است زیرا مدیریت می تواند توانایی و استعداد کارآفرینی را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند و یا رفتار و عملکرد او می تواند مانع این امر حیاتی شود (Egerová, Ubrežiová, Nowiński, & Czégledi, 2016).

پیشینه پژوهش

مدیران مهمترین عامل تغییر و پیشرفت در مدارس هستند که باید ضمن توانمندسازی، تلاش کنند تا عوامل اثر گذار بر کارآفرینی را شناسایی کرده و توسعه دهند. راه اندازی آموزشی کارآفرینی در مدارس وابسته به اشتراک گذاری دانش ضمنی است (Najafi Hazarjaribi and Dardi Mohammadi, 2016). برخی از نظریه پردازان مدیریت، توانمند سازی را مترادف با اعطای قدرت سازمانی بیشتر به کارکنان، تفویض اختیار و مشارکت کارکنان در محل کار می دانند که در نتیجه به اشتراک گذاری فراهم می شود (Sandhya, & Sulphay, 2020). با این وصف، در این قسمت به برخی از مطالعات صورت پذیرفته در این رابطه اشاره می گردد:

پژوهش (Islam, Zahra, Rehman, & Jamil, 2022) با عنوان «چگونه اشتراک دانش رفتار کاری نوآورانه را از طریق خودکارآمدی شغلی تشویق می کند؟» نشان داد که به اشتراک دانش به طور مثبت بر رفتار کاری نوآورانه کارکنان تأثیر می گذارد و خودکارآمدی شغلی به طور مثبت این ارتباط را توضیح می دهد. علاوه بر این، درک کارکنان از رهبری کارآفرینی، ارتباط بین اشتراک دانش و رفتار کاری نوآورانه را تقویت می کند.

پژوهش (Li & Qin, 2022) با عنوان «تأثیر رفتار تسهیم دانش معلمان بر انگیزه کارآفرینی دانش آموزان در محیط رسانه های اجتماعی» نشان داد، تسهیم دانش معلمان بر انگیزه کارآفرینی دانش آموزان نقش به سرایی دارد.

پژوهش (Islam, T., & Asad, 2021) با عنوان «افزایش خلاقیت کارکنان از طریق رهبری کارآفرینانه: آیا اشتراک دانش و خودکارآمدی خلاق می تواند مهم باشد؟»، افراد دارای خودکارآمدی خلاقانه بالا، ارتباط بین اشتراک دانش و خلاقیت کارکنان را تقویت می کنند.

پژوهش (Ahmad, Rahman and Serji, 2019) با عنوان «ارائه چارچوب نقش آموزش کارآفرینی و عوامل زمینه ای» نشان داد، زمینه سازمانی که افراد در آن قرار دارند می تواند تسهیلاتی را برای توسعه کارآفرینی فراهم سازد. زمینه شامل شرایط فردی و سازمانی می شود که بر فرایندهای کاری سازمان اثر گذار است و کیفیت عملکرد آن را تعیین می کند.

پژوهش (Rofiaty, 2019) با عنوان «مدل رابطه ای کارآفرینی و مدیریت دانش با جهت نوآوری، اجرای راهبردی و بهبود عملکرد مدارس اسلامی» نشان داد، بهره گیری از مدیریت دانش در توسعه آموزش کارآفرینی مؤثر است و کارآفرینی اساسی برای رشد فراگیران است. اینرو مدارس باید برای توسعه آموزش کارآفرینی از مدیریت دانش استفاده کنند و به منظور از نوآوری های بهره مند شوند.

پژوهش (Solomon, Alabduljader, & Ramani, 2016) با عنوان «مدیریت دانش و آموزش کارآفرینی اجتماعی: دروس آموخته شده از یک مطالعه اکتشافی از دو کشور» نشان دادند، آموزش کارآفرینی اجتماعی، فرصت هایی را برای یادگیری بیشتر برای نحوه فعالیت های کسب و کار در جامعه فراهم می آورد و از این طریق پل ارتباطی بین مدرسه و جامعه برقرار می شود.

(Tananusak, 2019) با عنوان «نقشه دانش مبتنی بر کارآفرینی پایدار» نشان داد، پس از ارائه گزارش سازمان ملل در بروندلند در سال ۱۹۸۷، کارآفرینی به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار ارتقاء یافته است. از آن زمان، مطالعات در مورد کارآفرینی پایدار رونق گرفت و این موضوع به عنوان زیرمجموعه پژوهشات کارآفرینی ظهور کرد.

پژوهش (Lin, & Xu, 2017) با عنوان «عوامل اثر گذار بر توسعه آموزش کارآفرینی» یک چارچوب نظری را در رابطه با عواملی که در توسعه آموزش کارآفرینی تأثیر می گذارد، ارائه می دهد و سه مدل ایجاد می کند. این چارچوب بینش نظری در مورد رابطه بین توسعه آموزش کارآفرینی و محیط خارجی وابسته آن را فراهم می کند. علاوه بر این، نویسندگان معتقدند که پژوهشات موجود نقش سیاست را هنگام بررسی توسعه آموزش کارآفرینی بیش از حد ارزیابی می کند.

نتایج پژوهش (Hajiyan and Sardar, 2017) با عنوان «ارائه الگویی برای سنجش عوامل انگیزشی درونی و بیرونی مؤثر در تمایل کارکنان به تسهیم دانش» نشان داد، عوامل انگیزشی بیرونی و درونی بر نگرش نسبت به تسهیم دانش تأثیر داشته و نگرش نسبت به تسهیم دانش

بر تمایل به تسهیم دانش صریح و ضمنی در بین کارکنان شهرداری تأثیر دارد. همچنین، عوامل انگیزشی بیرونی بر تمایل به تسهیم دانش ضمنی و عوامل انگیزشی درونی بر تمایل به تسهیم دانش صریح تأثیر دارد. عوامل انگیزشی بیرونی بر تمایل به تسهیم دانش صریح و عوامل انگیزشی درونی بر تمایل به تسهیم دانش ضمنی از طریق نگرش تأثیر دارند و در نهایت، تمایل به تسهیم دانش ضمنی بر تمایل به تسهیم دانش صریح در شهرداری تهران تأثیر دارد.

پژوهش (Cheng & Chu, 2017) با عنوان «ارائه مدل مدیریت دانش هنجاری برای توسعه مدرسه» نشان داد، نقش رهبری مدرسه در تدوین راهبردهای دانش مردم محور (اطلاعات محور) قابل ملاحظه است و این امر مستلزم وجود یک فرهنگ کاری حمایتی برای اجرای مؤثر مدیریت دانش است. رهبری مدرسه با استفاده از راهبرد دانش مردم محور، تلاش می کند بر اساس دانش آشکار و ضمنی معلمان و مدیران، به رشد و توسعه مدرسه کمک کند و راهبرد مدیریت دانش اطلاعات محور به دنبال آن است که بر اساس اطلاعات آنها به ارتقای سطح عملکرد مدرسه بپردازد و اطلاعات نقش اساسی را در تصمیم گیر یهای آموزشی ایفا می کند.

پژوهش (Ansari, & Malik, 2017) با عنوان «توانمندسازی مبتنی بر هوش عاطفی و به اشتراک گذاری دانش» نشان داد، برای توسعه به اشتراک گذاری دانش در سازمان لزوماً باید هوش عاطفی رهبران و اعضای آن سازمان تقویت شود. درک کارکنان در سازمان از سوی رهبران به درگیری بیشتر آنها به فعالیت های محوله می انجامد زیرا انگیزه های آنها را برای ارتباط با سازمان گسترش می دهد.

پژوهش (Nadason, Saad, & Ahmi, 2017) با عنوان «به اشتراک گذاری دانش و موانع سازمانی» نشان دادند، ساختار سلسله مراتبی سازمانی و بوروکراسی اداری مانع جدی به اشتراک گذاری دانش ضمنی کارکنان بایکدیگر است و این در صورتی است که ساختارهای انعطاف پذیرتر و غیر سلسله مراتبی بیشتر می تواند موجب به اشتراک گذاری دانش افراد بایکدیگر شود.

پژوهش (Maja, 2017) با عنوان «ادراک وظایف اعضای مدیریت مدرسه بر اساس مقیاس مدیریت کارکنان» نشان داد، اکثر مدیران مدارس در رابطه با مفهوم کار تیمی دارای مشکل هستند، گرچه به بسیاری از مستندات در مدرسه دسترسی دارند ولی آنها را نخوانده اند و از اینرو آگاه به نقش خود در فرایندهای کاری نیستند و لذا این ناآگاهی منجر به تعارض های بین اعضای مدیریت مدرسه می شود.

مطالعه (Kasemsap, 2016) با عنوان «آموزش کارآفرینی و اجرای مدیریت دانش» نشان داد، بهبود آموزش کارآفرینی با توسعه مدیریت دانش در رابطه است و به این منظور باید تلاش شود تا در سطوح سازمانی، مدیریت دانش فراهم شود.

بنابه مطالعه (Aghavirdi, Moghdisi Sharifzadeh, 2016) توانمندسازی مدیران، سازمان ها را قادر می سازد که منعطف تر باشند و به پیشرفتهایی در انجام کارهای سازمانی و همچنین شخصی کارکنان دست یابند. مدیران مدارس توانمند قادرند که ضمن رعایت مقررات آموزشی و اداری، فرصت هایی را برای اعضای نظام آموزشی فراهم سازند که به منظور نحوه بهره گیری از برنامه های آموزش کارآفرینی بایکدیگر به تبادل دانش پرداخته و در این راستا به طراحی دوره های آموزشی خلاقانه اقدام نمایند.

مطالعه اخوان و ایمانی (Akhavan & Imani, 2015) با عنوان «بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر اشتراک دانش با استفاده از نظریه داده بنیاد و با بهره گیری از تکنیک دیمتل-آی اس ام فازی» نشان داد، با اهمیت ترین عوامل در اشتراک دانش، عوامل فرهنگی، اجتماعی و فناوری هستند از اینرو برای توسعه به اشتراک گذاری دانش در بین کارکنان باید ابتدا زمینه های لازم فراهم شود تا تبادل نظرات کارکنان در رابطه با اهداف مورد نظر صورت پذیرد.

پژوهش (Hamburg, 2014) با عنوان «آموزش کارآفرینی و مدیریت دانش در مؤسسات کوچک» نشان داد، برای توسعه آموزش کارآفرینی باید به استقرار مدیریت دانش در مؤسسات پرداخت. برای استقرار مدیریت دانش، مدیران باید از نوآوری و رشد بیشتری برخوردار باشند. این امر می تواند به ویژه با حمایت از سایر اعضای مؤسسات از طریق در دسترس قرار دادن دانش ضمنی برای توسعه کارآفرینی صورت پذیرد. پژوهش (Kuo, Kuo, & Ho, 2014) با عنوان «توانمندی توانایی نوآورانه: به اشتراک گذاری دانش به عنوان واسطه» نشان داد، به اشتراک گذاری دانش با توانمندسازی مدیران مدارس در رابطه است. نیز نتایج نشان داد، رضایت شغلی و دوستی در محل کار تأثیر قابل توجهی بر نوآوری خدمات نشان داده اند. اشتراک دانش به طور قابل توجهی اثر رضایت شغلی و دوستی محیط کار را بر نوآوری خدمات تعدیل می کند. نتایج می تواند به برنامه ریزی استراتژیک توسعه منابع انسانی کمک کند تا بتواند قابلیت نوآوری خدمات را در سازمان افزایش دهد.

پژوهش (Pierce, 2012) با عنوان «ساختار سازمانی و محدودیت های به اشتراک گذاری دانش» نشان داد، انگیزه های متناقض در بین مدیران ممکن است از مزایای بالقوه تسهیم و به اشتراک گذاری دانش کارکنان در سازمان جلوگیری کند. مدیران باید تلاش کنند تا از

برخوردهایی که به پدیدار شدن تناقض در رفتار آنها منجر شود، دوری نمایند. انگیزه های متناقض، دیدگاهی منفی در کارکنان نسبت به مدیران ایجاد می کند که در نهایت از همکاری کارکنان با سازمان و مدیران می کاهد.

مطالعه بهرنگی و طباطبایی (Bahrangi and Tabatabai, 2009) با عنوان « بررسی رابطه ویژگی های کارآفرینانه مدیران با اثر بخشی آنان در مدارس متوسطه دخترانه شهر کرمان » نشان داد، بین ویژگیهای شخصیتی و اثربخشی مدیران دبیرستانهای دخترانه شهر کرمان با هدف توسعه کارآفرینی رابطه معنی داری وجود ندارد.

بنابه مطالعه (Srivastava, Bartol, & Locke, 2006) توانمندی سازی مدیران با به اشتراک گذاری دانش آنها در رابطه است. این مطالعه نشان داد، در صورتی که فرصت هایی برای به اشتراک گذاری تجربیات مدیران فراهم شود، میزان توانمندی های مدیران گسترش می یابد. پژوهش جهانگیری (Jahangiri, 2003) با عنوان « طراحی و تبیین الگوی کارآفرینی در سازمان های دولتی » نشان داد، عوامل فردی و سازمانی را به عنوان متغیر مستقل و عناصر کار آفرینی را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته است. عوامل فردی مشتمل بر ویژگی های است که مدیران برای توسعه کارآفرینی در سازمان برخوردار باشند و عوامل سازمانی شامل ویژگی های مربوط به ساختار سازمانی و جوی بوده که بر سازمان حاکم است.

پژوهش (Eyal, & Inbar, 2003) با عنوان « توسعه پرسشنامه آموزش کارآفرینی برای مدارس دولتی » نشان داد، کارآفرینی مدارس در محیط پیرامونی بهتر از کارآفرینی مدارس در مرکز می تواند از آزادی موجود در سیستم بهره برداری کند. مدارس دارای محدودیت های سازمانی برای توسعه کارآفرینی دارند و کارآفرینی مدارس نمی تواند فراتر از آنچه توسط سیستم قانونی مقرر شده است، پیش رود. پژوهش (Bartol, Srivastava, & Locke, 2002) با عنوان « توانمندسازی رهبری مبتنی بر تیم مدیریتی: اثرات به اشتراک گذاری دانش، کارآمدی، و عملکرد » نشان داد، بهبود توانایی سیستم مدیریت مدارس، با به اشتراک گذاری دانش معلمان و مدیران برای توسعه آموزش کارآفرینی در رابطه است. در این حالت، نقش پاداش ها غیرمستقیم است، یعنی عدالت روبه ای و توزیعی سازمانی از عوامل مهم در ایجاد اعتماد هستند. در چنین حالتی به اشراک گذاری دانش متأثر از پاداش هایی است که روشی برای تقویت احساس تعلق کارکنان به سازمان برای در دسترس قرار دادن دانش خود برای توسعه سازمانی هستند.

مسئله پژوهش عبارت است از اینکه ابعاد مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی برای توسعه آموزش کارآفرینی در مدارس چگونه است؟

روش پژوهش

روش پژوهش، کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد (Strauss & Corbin, 1998) بوده است. این روش به این دلیل انتخاب شده است که به عنوان رهیافتی نظام مند از آن می توان برای تدوین نظریه در رابطه با پدیده مورد مطالعه (به اشتراک گذاری دانش به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس)، به صورت استقرایی و سیستماتیک کمک گرفت. بدین روش، مفاهیم بر اساس مشابهنه هایشان مورد طبقه بندی قرار می گیرند که به این کار مقوله پردازی گفته می شود. وقتی که مفاهیم با یکدیگر مقایسه شده و به نظر برسند که به پدیده های مشابه مربوط اند، مقوله ها کشف می شوند. بدین ترتیب مفاهیم در نظمی بالاتر دسته بندی می شوند. مقوله، مفهومی است که از سایر مفاهیم انتزاعی تر است؛ یعنی عنوانی که به مقوله ها اختصاص داده می شود، انتزاعی تر از مفاهیمی است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می دهند. در نظریه پردازی داده بنیاد با روش استراوس و کوربین مقوله های فرعی تحت سلسله روابطی به مقوله اصلی و محوری مرتبط شده و روابط میان آن ها با مقوله اصلی تحت الگو و مدلی مشخص می شود. ایجاد چنین ارتباطی بر مبنای طرح پرسش و انجام مقایسه صورت می پذیرد.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی نمونه پژوهش

متغیرهای جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت		
زن	۱۶	۵۹/۲۵
مرد	۱۱	۴۰/۷۴
رشته		
گروه علوم تربیتی و روانشناسی	۱۹	۷۰/۳۷
تحصیلی		
سایر رشته ها	۸	۲۹/۶۲
مدرک		
تا کارشناسی	۱۸	۶۶/۶۶
تحصیلی		
بالاتر از کارشناسی	۹	۳۳/۳۳

محیط پژوهش شامل کلیه مدیران مدارس دوره ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی (۱۴۰۰-۱۴۰۱) بوده است. شیوه نمونه گیری به روش نظری تا حد اشباع داده ها بوده که در نهایت با ۲۷ نفر از مدیران ابتدایی شهر اصفهان با سابقه بالاتر از ۲۵ سال داده های مورد نیاز تکمیل و مصاحبه خاتمه یافت. در نمونه گیری نظری، مصاحبه ها بتدریج صورت می پذیرد و تا حدی ادامه می یابد که داده های مورد نیاز برای مقوله بندی در سطوح مختلف تکمیل شود و برای پژوهش تاکاپو کند (Van Hees, 2017, p.3).

تکنیک گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق با مدیران مدارس ابتدایی بوده است. چارچوب سؤالاتی که از مصاحبه شوندگان بعمل آمد، عبارت بود از اینکه عوامل مؤثر بر به اشتراک گذاری دانش با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی کدامند؟، مقوله پدیده محوری به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس با چه راهبردهای تحقق می یابد؟، راهبردهای به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس تحت چه شرایطی ممکن پذیر است؟ به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس تحت تأثیر چه عوامل مداخله کننده ای قرار دارند؟ و بالاخره به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس چه پیامدهایی دارد؟

هر مصاحبه برای هر یک از مصاحبه شوندگان حداقل ۴۵ دقیقه بطول انجامید. فرایند مقوله سازی و کدگذاری تا جایی ادامه یافت که داده ها به بهترین شکل تبیین شود. مصاحبه ها بشکل فردی تحلیل شد و حرکت زیکزاکای روی متن مصاحبه آنقدر ادامه پیدا کرد تا هیچ مفهوم خاصی در متن مصاحبه از چشم محقق دور نماند. شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی و فرایند تجزیه و تحلیل شامل استفاده از مراحل گردآوری و پالایش داده ها و در نظر گرفتن رابطه متقابل بین طبقه بندی مقوله ها بوده است. فرایند تجزیه و تحلیل، در سه مرحله کدگذاری باز (مطالعه پدیده از طریق جزئی کردن اطلاعات و مقوله ها)، کدگذاری محوری (انتخاب یک مقوله کدگذاری باز که بر اساس تحلیل داده ها بیشترین ارتباط را با سایر مقوله ها داشته باشد) و کدگذاری انتخابی (تدوین مدل درباره رابطه مقوله های به دست آمده در الگوی کدگذاری محوری) انجام گرفت. توجه به روایی و اعتبار ابزار در پژوهش کیفی حائز اهمیت است. بطور کلی طبق نظر (Guba & Lincoln, 2005) بررسی صحت و تأیید روایی و پایایی در پژوهشهای کیفی شامل چهار معیار اعتبار، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تأیید پذیری می باشد. (Abbas Zadeh, 2012). برای تأمین روایی و اعتبار مصاحبه های بعمل آمده از اطمینان پذیری (شناسایی و بررسی منابع جمع آوری داده هایی که فراهم شده است که به این منظور برای اعتماد به داده ها با چند نفر از مصاحبه شوندگان برای صحت داده های جمع آوری شده از مصاحبه های آنها تماس حاصل شد) و تأیید پذیری (به سه نفر استاد خبره برای تأیید داده ها و انطباق پذیری آنها با هدف تحقیق مراجعه گردید) استفاده شد.

در واقع برای تأیید پذیری داده ها بطور مشخص از یکی از استادان دارای رشته مدیریت آموزش کارآفرینی در فرایند کدگذاری در پژوهش کمک گرفته شد و به صورت تصادفی سه مصاحبه انتخاب شد و کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. سپس از دو نفر از اساتید رشته مدیریت آموزشی خواسته شد که در هر یک از مصاحبه ها، کدهایی که از نظر آنها مشابه بوده را با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص کنند و سپس درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول زیر (Galvin, 2005) محاسبه شد. نتایج در قالب جدول زیر ارائه شد.

یافته ها

$$\text{درصد پایایی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{کل تعداد کدها}} * 100$$

جدول ۲. نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی
مصاحبه نفر ششم	۲۹	۲۳	۶	۰/۸۹
مصاحبه نفر هفدهم	۳۵	۲۶	۹	۰/۸۶
مصاحبه نفر بیست و سوم	۳۱	۲۴	۷	۰/۸۴
کل	۹۵	۷۳	۲۲	۰/۸۷

بر اساس داده های جدول فوق، پایایی کل دو کُد گذار برابر ۰/۷۷ بوده است. با توجه به اینکه پایایی بیش از ۰/۶۰ است، قابل قبول است، لذا قابلیت اعتماد کُد گذاری تأیید می شود. می توان نتیجه گرفت که شناسه گذاری ها از پایایی مناسبی برخوردار است (Galvin, 1996). برای میزان قابلیت تعمیم پذیری یافته های این پژوهش از روش اعتبارسنجی استفاده شد.

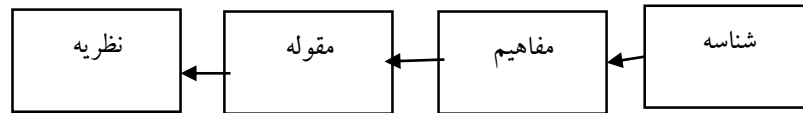
اعتبار سنجی

اعتبارسنجی در نظریه پردازی داده بنیاد، بخشی فعال از فرایند پژوهش است (Abbas Zadeh, 2012, p.24).؛ برای مثال، پژوهشگر در خلال روال مقایسه پیوسته در شناسه گذاری باز، بین داده ها و اطلاعات و مقوله های در حال ظهور، کثرت ایجاد می کند (p.88, 2007, Danaei Fard & Emami). مقایسه پیوسته به این اشاره دارد که پژوهشگر وقایع، رویدادها و فعالیتها را شناسایی، و پیوسته آنها را با یک طبقه نوظهور مقایسه می کند؛ به این ترتیب آن طبقه را شکل می دهد و اشباع می شود. به عبارت دیگر، فرایند کسب اطلاعات از گردآوری داده ها و مقایسه آنها با طبقات در حال شکل گیری را روش مقایسه پیوسته گویند (Creswell, 1994, p.88, 290). در این پژوهش برای اعتبارسنجی از روش مقایسه عناصر مدل حاصل از پژوهش با پیشینه پژوهش استفاده شد که در جدول ذیل مقایسه نتایج پیشینه پژوهش با مقوله های مدل آمده است:

جدول ۳. مقایسه عناصر مدل حاصل از پژوهش با ادبیات موضوع

پیشینه پژوهش	مدل مفهومی متاثر از شرایط مؤثر بر به اشتراک گذاری دانش با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس
بررسی رابطه ویژگی های کارآفرینانه مدیران با اثر بخشی آنان در مدارس متوسطه دخترانه شهر کرمان (Behrangi, Mohammad Reza; Tabatabai, 2016) رویکرد مدیریت خدمات در عصر دیجیتال (van Hove, Steinberg, & Agutter, 2017) (Perumal, S., & Sreekumaran, 2022) (England) توانمندسازی مبتنی بر هوش عاطفی و به اشتراک گذاری دانش (Ansari, A. H., & Malik, 2017) تأثیر به اشتراک گذاری دانش: یک بررسی و راهنمایی برای پژوهش های آینده (Ahmad, F., & Karim, 2019)	شرایط علی: اراده سازمانی ^۱ انگیزه سازمانی اجرای مدیریت دانش در سازمان
آموزش کارآفرینی و اجرای مدیریت دانش (Kasemsap, 2016) آموزش کارآفرینی و مدیریت دانش در مؤسسات کوچک (Hamburg, 2014)	پدیده محوری: راهبردهای به اشتراک گذاری دانش با هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس
ارائه چارچوب نقش آموزش کارآفرینی و عوامل زمینه ای (Ahmed, T., Rehman, I. U., & Sergi, 2019) عوامل اثر گذار بر توسعه آموزش کارآفرینی (Lin, S., & Xu, 2017)	شرایط زمینه ای: شرایط فردی شرایط سازمانی
با طراحی و تبیین مدل کارآفرینی سازمانی برای سازمان های غیردولتی در ایران (Moghimi, 2006) بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر اشتراک دانش با استفاده از نظریه داده بنیاد و با بهره گیری از تکنیک دیمتل-آی اس ام فازی (Akhavan, & Imani, 2015) عوامل زمینه ای مؤثر بر کارآفرینی بنگاههای کوچک و متوسط (Ahadi, S., & Kasraie, 2020) توسعه پرسشنامه آموزش کارآفرینی برای مدارس دولتی (Eyal, O., & Inbar, 2003) به اشتراک گذاری دانش و موانع سازمانی (Nadason, Saad, & Ahmi, 2017) ساختار سازمانی و محدودیت های به اشتراک گذاری دانش (Pierce, 2012) ادراک وظایف اعضای مدیریت مدرسه بر اساس مقیاس مدیریت کارکنان (Maja, 2016)	مداخله گر: محدودیت های فردی محدودیت سازمانی محدودیت اجتماعی
ارائه مدل مدیریت دانش هنجاری برای توسعه مدرسه (Cheng, & Chu, 2017) نقش نظام مدیریت دانش در مدارس: ادراک کاربردها و مزیت ها (کورتیوان، ۲۰۱۴)	راهبردها: بهبود نگرش بهبود بینش بهبود توانش
توانمندی توانایی نوآورانه: به اشتراک گذاری دانش به عنوان واسطه (Kuo, Kuo, & Ho, 2014) توانمندسازی رهبری مبتنی بر تیم مدیریتی: اثرات به اشتراک گذاری دانش، کارآمدی، و عملکرد (Bartol, K. M., & Srivastava, 2002)	پیامدها: کارایی مدیریت اثربخشی مدیریت

¹ . Organizational will



نمودار ۱. مسیر تکامل نظریه در راهبرد مفهوم سازی نظریه داده بنیاد (Danaeifard,2005,p,60)

یافته های پژوهش

در این قسمت، فرایند دسته بندی و پالایش داده ها در سه مرحله کُدگذاری باز، محوری و انتخابی نمایش داده شده اند.

سؤال اول پژوهش

شرایط علی به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس کدامند؟

جدول ۴. کُد گذاری باز و مؤلفه های مربوط به شرایط علی

مقوله اصلی	زیر مقوله	مفاهیم
	اهمیت سازمانی به مدیریت دانش	در اولویت بودن خلق دانش، ذخیره سازی دانش، تسهیم و به اشتراک گذاری دانش
اراده سازمانی	حمایت از مدیران برای اجرای مدیریت دانش	حمایت اجتماعی از مدیران، حمایت عاطفی از مدیران، حمایت سازمانی از مدیران، حمایت مالی از مدیران
	پیشرفت گرایی سازمانی	ارتقاء طلبی سازمانی، برند سازی مدرسه، رقابت پذیری
	روزآمدگی سازمانی	به روز کردن شیوه های تربیتی، شیوه های آموزشی، اداری مدرسه
شرایط علی	ارتقای مرتبه شغلی	اعطای پایه شغلی تشویقی
	ارتقای سطح حقوق و دستمزد	افزایش حقوق، دستمزد، پاداش
	استقرار امکانات سخت افزاری مدیریت دانش	مجهز کردن مدرسه به فناوری اطلاعات و ارتباطات، راه اندازی سیستم شبکه اینترنت در مدرسه
اجرای مدیریت دانش در سازمان	استقرار امکانات نرم افزاری	نصب نرم افزارهای آموزشی، راه اندازی ویدئو کنفرانس ها برای آموزش در مدرسه
	توسعه پهنای باند اینترنت	برطرف سازی محدودیت های استفاده از شبکه های اینترنتی

شرایط علی:

شرایط علی، رویدادهایی هستند که موقعیت ها، مباحث و مسائل مرتبط با پدیده را خلق می کنند. به عبارت دیگر منظور از شرایط علی، رویدادها یا اتفاقاتی هستند. شرایط علی در قالب سه مقوله اراده سازمانی، تشویق سازمانی و اجرای مدیریت دانش در سازمان نام گذاری شده اند.

انگیزه و اراده سازمانی

یکی از عوامل مؤثر بر به اشتراک گذاری دانش با هدف آموزش کارآفرینی در مدارس، انگیزه و اراده سازمانی مدیران است. بدون تردید یک مدیر بایستی علاوه بر توانایی در علوم مدیریتی، انگیزه کافی برای به کار بردن این علوم در مدارس را برای بهبود و رشد مدارس داشته باشد و اگر در این زمینه عمل نکند، نارسایی های عدیده ای که در مدارس به چشم می خورد، رفع نخواهد شد. مدیرانی که انگیزه بالا و صلاحیت کار در سازمان های آموزشی را داشته باشند، باعث بهبود شرایط کار، افزایش رضایتمندی کارکنان و استفاده مؤثر از امکانات، جهت تحقق اهداف نظام آموزشی شده و در نتیجه موجبات شکوفایی، خلاقیت، نوآوری و تحریک فعالیت های یادگیری دانش آموزان می شوند (Hanifi, Fariba; Rahimi,2009). از نظر صاحب نظرانی چون مککلند، آنکیسون-رونر، لایلز-بروکهاوس، از جمله ویژگی های مدیران کارآفرین،

انگیزه توفیق طلبی، نیاز به موفقیت، نیاز به استقلال، عزم و اراده (مرکز کنترل درونی) است. ارتقای آموزش تا سطح کارآفرینی در مدارس وابسته به اجرای مدیریت دانش در نظام های آموزشی است (Ahmadpour Dariani and Moghimi, 2006). یکی از مصاحبه شونده‌گان در مصاحبه می گفت «هیچ مسؤل و مدیر مدرسه ای بدون انگیزه شغلی، حس کار و تلاش برای مدرسه خود ندارد چه رسد که برای آموزش کارآفرینی در مدرسه خود حرکت کند. در صورتی که مدیران مدارس از انگیزه لازم برخوردار باشند، حتی برای ارتقای سطح کیفیت آموزش مدرسه خو و به قول شما، توسعه آموزش کارآفرینی در مدرسه با سایر همکاران و مدیران مدارس دیگر به شور و مشورت می پردازند و در این راستا به تبادل دانش با یکدیگر می پردازند»

مصاحبه شونده دیگری اینگونه نقل می کرد: «داشتن انگیزه شرط فعالیت بیشتر برای کسب دانش است و آموزش کارآفرینی و توسعه آن در مدرسه وابسته به علاقه مند بودن متصدیان و مدیران مدارس است. متأسفانه انگیزه کافی برای تفکر درباره گسترش آموزش کارآفرینی وجود ندارد، چون هیچ فرقی بین مدیری که فعالیت های فزون تری در راستای نیاز دانش آموزان می کند و مدیری که فعالیت خاصی نمی کند، بر اساس حقوق و دستمزد و پاداش ملاحظه نمی شود»

سؤال دوم پژوهش

شرایط زمینه ای به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس کدامند؟

جدول ۵. کد گذاری باز و مؤلفه های مربوط به شرایط زمینه ای

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله اصلی
دارا بودن مدرک مدیریتی، دارای سابقه مدیریت مدرسه، دارا بودن سابقه معلمی	توانایی مدیریتی	
داشتن سابقه آموزشی، داشتن سمت های سازمانی، داشتن سوابق پژوهشاتی	توانایی مبتنی بر دانش	
توانایی برقراری ارتباط با دیگران، حس نوع دوستی،	توانایی عاطفی	شرایط فردی مدیر
توانایی مشارکت، روحیه همکاری، توانایی سازگاری با دیگران، توانایی مذاکره و بحث با دیگران، توانایی وفاق اجتماعی	توانایی اجتماعی	
وجود سیستم غیرمتمرکز در سازمان، مدیریت مسئله محور، استفاده از شیوه تصمیم گیری مشارکتی	شیوه تصمیم گیری سازمانی	زمینه ای
وجود فرهنگ باز، وجود فرهنگ پویا، وجود فرهنگ پیشرفت گرایی، وجود ارزشهای مشترک در سازمان	ارزشهای فرهنگی سازمانی	شرایط سازمانی
مساعد بودن جو سازمانی، غیررسمی بودن، خودمختار بودن افراد، داشتن اختیارات سازمانی، انعطاف پذیری نقش ها	جو سازمانی	

شرایط زمینه ای

شرایط زمینه ای شرایطی است که راهبردها و اقدامات را به شکل هم بافتی تحت تأثیر قرار می دهند. بر این اساس با افراد مشارکت کننده در فرایند مصاحبه به صورت ضمنی سؤال هایی مطرح شد. شرایط زمینه ای در قالب دو مقوله شرایط سازمانی، شرایط فردی شناسایی شدند.

شرایط فردی و سازمانی

توانایی های فردی مدیران برای راه اندازی و توسعه آموزش کارآفرینی در مدارس وابسته به توانایی ها و سطح دانش مدرسه داری آنها دارد. هر اندازه توانایی های مدیریتی آنها بیشتر باشد، در توسعه آموزش کارآفرینی موفق تر خواهند بود. علاوه بر توانایی های فردی مدیران، شرایطی که در نظام آموزشی وجود دارد در تسهیل بخشیدن آموزش کارآفرینی نقش به سزایی دارد. مثلاً عواملی از قبیل شیوه تصمیم گیری سازمانی، ارزشهای فرهنگی و جو سازمانی تأثیر قابل ملاحظه ای در این امر دارد. در صورتی که به اشتراک گذاری دانش، از ارزشهای سازمانی محسوب شود، مدیران آن را محور فعالیت های خود قرار می دهند.

یکی از مصاحبه شونده‌گان می گفت: «راه اندازی آموزش کارآفرینی وابسته به داشتن آزادی در تصمیم گیری های آموزشی است. این در حالی است که اختیارات چندانی برای اجرای آموزش کارآفرینی برای مدیران مدارس وجود ندارد»

یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان می گفت «به اشتراک گذاری دانش به منظور اجرای آموزش کارآفرینی وابسته به وجود اعتماد است. مادامی که جو سازمانی حاکم بر نظام های آموزشی، از اعتماد لازم برخوردار نیست، ارتباط مؤثری بین مدیران و کارکنان مؤسسات آموزشی وجود

ندارد و نوعی رقابت منفی در بین آنها جریان دارد، امکان تبادل دانش و نظرات بین افراد بسیار کم است و متأسفانه به دلیل حاکمیت فرهنگ رقابتی مبتنی بر پس زدن رقبا هر مؤسسه و مدیریتی به دنبال مخفی کاری در انجام فعالیت های آموزشی و مدرسه داری است چنانکه به دنبال جذب دانش آموزان بیشتر برای خودشان هستند»

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان معتقد بود که «وجود جوّ سازمانی مناسب و سالم برای گسترش تبادل دانش بین مدیران مؤسسات آموزشی امری لازم و حیاتی است و آموزش و پرورش باید در راستای ایجاد یک جوّی که مدیران در نقش خود از اختیارات بیشتری برخوردارند، حرکت کرده و در راستای برقراری روابط غیر رسمی بین کلیه مدیران مدارس تلاش نماید».

سؤال سوم پژوهش

عوامل مداخله گر به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس کدامند؟

جدول ۶. کُگذاری باز و مؤلفه‌های مربوط به عوامل مداخله گر

مقوله اصلی	زیر مقوله	مفاهیم
محدودیت های فردی	شخصیت درون گرا	ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران، عدم توانایی برای همکاری، داشتن روحیه فردی
	عادت کاری	انجام کارهای کلیشه ای و تکراری،
محدودیت های سازمانی	انعطاف ناپذیری	عدم تمایل به تغییر، عدم سازگاری با موقعیت های جدید
	کم بودن دانش و آگاهی	عدم مطالعه و پژوهش، متکی بودن به دانش و تجارب قبلی، محدود بودن دانش به کار مشخص
شرایط مداخله گر	نداشتن اختیارات	داشتن نقش سازمانی محدود، تحت کنترل بودن، اختیارات محدود
	وجود سیاست ها و خط مشی های خشک و از پیش تدوین شده	مدیریت با محوریت بخشنامه ها، مجاز نبودن برای فعالیت در خارج از آئین نامه ها، بوروکراسی اداری
محدودیت های اجتماعی	تصمیم گیری متمرکز	وجود ساختار از بالا به پائین، ارتباط یکسویه، محدود بودن تصمیم گیری در مراتب بالا
	نداشتن امکانات سازمانی	کمبود منابع مالی، منابع کالبدی، عدم وجود مرکز یادگیری، ضعیف بودن امکانات مربوط به فناوری اطلاعات
محدودیت های اجتماعی	مشغله های خانوادگی	اداره کردن فرزندان، تأمین کردن مایحتاج خانواده، رسیدگی به مشکلات خانواده
	بیش از حد کار داشتن	داشتن چند شغل داشتن، چند شیفته کار کردن
داشتن مسؤلیت های متعدد	نداشتن وقت	نداشتن وقت آزاد برای دانش آندوزی و مطالعه
	داشتن مسؤلیت های سازمانی، داشتن مسؤلیت های برون سازمانی	

عوامل مداخله گر

شرایط مداخله گر به وضعیت های خاصی گفته می شود که بر راهبردها اثرگذارند. شرایط کلی که بر چگونگی فرایندها و راهبردها تأثیر می گذارد. شرایطی که باعث تشدید یا تضعیف پدیده ها می شوند. مشکل عمده مدیران مدارس، محدودیت هایی بوده که با آن در راستای توسعه آموزش های مدرسه ای از جمله آموزش کارآفرینی روبرو هستند. محدودیت های آنها به عنوان عوامل مداخله گر در تصمیم گیری های آموزشی آنها مثل به اشتراک گذاری دانش آنها در زمینه آموزش کارآفرینی با سایرین است. عوامل مداخله گر در اینجا شامل سه مقوله محدودیت های فردی، محدودیت های سازمانی و محدودیت اجتماعی بوده است. بخشی از این محدودیت ها با توانمندی های فردی آنها در رابطه است که به عنوان محدودیت های فردی تلقی می شود. محدودیت های فردی شامل شخصیت درونگرا، عادات کاری، انعطاف ناپذیری، کم بودن دانش و آگاهی بوده است. محدودیت سازمانی شامل نداشتن اختیارات، وجود سیاست ها و خط مشی های خشک و از پیش تدوین

شده، تصمیم گیری متمرکز، نداشتن امکانات سازمانی بوده است. محدودیت های اجتماعی شامل مشغله های خانوادگی، بیش از حد کار داشتن، داشتن مسؤلیت های متعدد، نداشتن وقت، و داشتن مسؤلیت های متعدد بوده است. یکی از مصاحبه شوندهگان می گفت «امکانات مورد لزوم برای برای برقراری ارتباط با سایر مدیران مدارس ضعیف است. در صورتیکه امکانات اینترنتی مثل وجود شبکه اکسترانت برای ارتباطات بین مدارس، وجود پهنای باند اینترنت، اینترنت رایگان برای تبادل نظر و به اشتراک گذاری تحریبات ضروری به نظر می رسد». یکی دیگر از مصاحبه شوندهگان می گفت «کم بودن آگاهی مدیران به ضرورت آموزش کارآفرینی، عادات کاری آنها، و شخصیت درونگرای آنها، همه از جمله عواملی هستند که مانع به اشتراک گذاری دانش مدیران با یکدیگر جهت توسعه آموزش کارآفرینی می شود».

سؤال چهارم پژوهش

راهبردهای به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس کدامند؟

جدول ۷.۷. گذاری باز و مؤلفه های مربوط به مربوط به راهبردها

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله اصلی
مشاهده برنامه های فوق برنامه، برنامه های جبرانی، برنامه های فرهنگی، تربینی، آموزشی	مشاهده مدرسه داری	
بازخوانی روایت های مدرسه داری در نشست ها، انجمن ها، شوراهای مدیران مدارس	روایت مدرسه داری	بهبود نگرش
شناسایی چالش های مدرسه داری، شناسایی فرصت های مدرسه داری	مدیریت پژوهی مدرسه	
شناسایی مدیریت متعالی مدرسه، شناسایی شاخص های مدرسه برتر، مدرسه کارآفرین	مدرسه بهره ور	
داشتن برنامه استراتژیک، برنامه ریزی معکوس، برنامه ریزی مبتنی بر تغییر توانمندسازی شناختی، توانمندسازی روانشناختی و توانمندسازی جامعه محور	ادراک مدرسه آینده توانمندی کار در مدرسه کارآفرین	بهبود بینش راهبردها
حضور در کارگاههای آموزشی مدرسه داری، حضور در کارگاه آموزشی توانمندسازی مدیران مدارس	شرکت در دوره های مدیریت آموزش کارآفرینی	بهبود توانش
راه اندازی آموزش های مدیریت دستیار مدرسه	حضور در جلسات کارآموزی	

راهبردها

راهبردها و اقدامات، طرح ها و کنش هایی هستند که به اجرایی به اشتراک گذاری دانش مدرسه داری با هدف پرورش روحیه کارآفرینی دانش آموزان در مدارس کمک می کنند. راهبردها و اقدامات در قالب سه مقوله شناسایی شدند. مقوله های بدست داده شده در رابطه راهبردهای به اشتراک گذاری دانش مدیران مدارس شامل بهبود نگرش، بینش و توانش است. مصاحبه شونده ای می گفت: «آنچه که باعث تبادل دانش مدیران برای ارتقای سطح آموزش می شود، پیشرفت گرا بودن و آینده بین بودن آنهاست. اما واقعیت این است که نگرش مدیران مدارس بیشتر از آنکه بر اساس آینده نگری باشد به موقعیتی که در آن زندگی می کنند، وابسته است و این بر می گردد به اینکه به نظر من بیشتر ارزشیابی هایی که از مدیران بعمل می آید بر اساس عملکرد فعلی آنهاست و نه عملکردی که به آینده ای روشن و بهتر برای دانش آموزان منجر می شود مثلاً سطح نمرات دانش آموزان» دیگر مصاحبه شونده ای می گفت: «مشکل جدی آموزش و پرورش ما این است که ارزیابی عملکرد مدیران بر اساس میزان قبولی دانش آموزان آنها صورت می پذیرد تا توانایی هایی که در دانش آموزان برای ورود به بازار کار فراهم می شود و از اینرو بیشتر تلاش مدیران صرف افزایش تعداد قبولی می شود و لذا دغدغه ای جز این ندارند»

سؤال پنجم پژوهش

پيامدهای به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس کدامند؟

جدول ۸. کُد گذاری باز و مؤلفه‌های مربوط به پیامدها

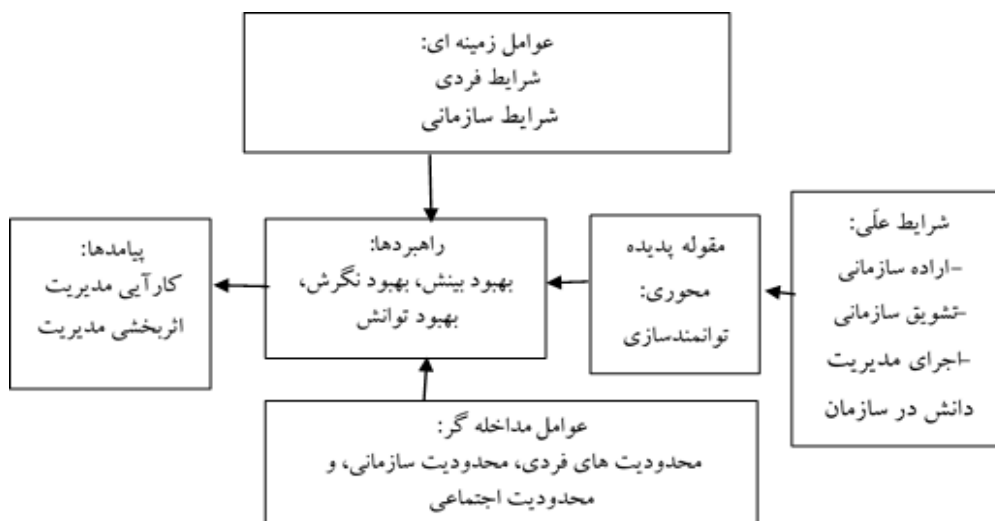
مفاهیم	زیر مقوله	مقوله اصلی
وظیفه شناسی، تعهد برای انجام درست فعالیت های آموزشی	درست انجام دادن فعالیت های آموزشی	کارآیی مدیریت
وظیفه شناسی، تعهد برای انجام درست فعالیت های تربیتی	درست انجام دادن فعالیت های تربیتی	
احترام به شأن و منزلت معلمان ، کارکنان و دانش آموزان	روابط انسانی درست داشتن	پیامدها
تلاش در اجرای درست برنامه های آموزشی، تلاش در توسعه برنامه های آموزشی	دوری از انحراف از برنامه های آموزشی	
تلاش در اجرای درست برنامه های تربیتی، تلاش در توسعه برنامه های تربیتی	دوری از انحراف از برنامه های تربیتی	
تلاش در اجرای درست برنامه های سازمانی، تلاش در توسعه برنامه های سازمانی	دوری از انحراف از برنامه های سازمانی	

پیامدها و نتایج

پیامدها و نتایج شامل عوامل مشهود و نامشهودی است که بعد از اجرایی شدن به اشتراک گذاری ایجاد می شوند. در فرایند کُدگذاری، دو مقوله کارآیی مدیریت، اثربخشی مدیریت، به عنوان پیامدها شناسایی شدند. این مقوله های بعد از اجرای به اشتراک گذاری دانش مدرسه داری با هدف پرورش روحیه کارآفرینی دانش آموزان برای مدارس فراهم می شود.

کارآیی و اثربخشی مدیریت مدرسه

در ابتدا اصطلاحات کارآیی و اثربخشی معمولاً به جای یکدیگر استعمال می شدند. اولین بار «چستر بارنارد»، بین این دو اصطلاح تفاوت قائل شد و آنها را شرط لازم برای پایداری همکاری و تعاون مطرح نمود. «ارسون» کارآیی را انجام کار به بهترین وجه تعریف می کند. وی معتقد است که کارآیی عبارتست از انجام کاری به بهترین طریق به وسیله فرد حائز شرایط در بهترین محل و مناسبترین وقت. کارآیی یعنی شرایط آسودگی آور برای کارکنان، چه به طور فردی و چه به طور دست جمعی و هدف اصلی مدیریت تحقق کارائی سازمان است. منظور از اثربخشی انجام کارهای درست با شیوه درست است. کارآیی مدیریت در اینجا به معنای درست انجام دادن فعالیت های آموزشی، تربیتی، و همچنین به معنای روابط انسانی درست داشتن است.



نمودار ۲. مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس

یکی از مصاحبه شوندگان می گفت: «نتیجه استفاده از به اشتراک گذاری و تبادل دانش مدیران با یکدیگر به منظور توسعه آموزش کارآفرین در مدارس، منجر به بهبود کارایی و درست انجام دادن فعالیت های نظام های آموزشی می شود و لذا رضایتمندی حاصل می شود».

یکی از مصاحبه شوندگان می گفت: «مشکل اصلی برای به اشتراک گذاری دانش مدیران مدارس با یکدیگر برای برقراری آموزش کارآفرینی این است که مدیران از برنامه های آموزشی، تربیتی محوله بعضاً انحراف دارند و به عبارتی جابجایی وسیله با هدف برای آنها صورت پذیرفته به گونه ای که بیشتر از آنکه به نتایج آموزش توجه داشته باشند، بیشتر به نتایج ارزشیابی های ظاهری اکتفا کرده اند. در صورتی استفاده از دانش دیگران موجب مدیریت اثربخش مدیران می شود».

بر اساس یافته های پژوهش، مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی به منظور اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس به صورت نمودار ۲ است.

الگوی به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف آموزش کارآفرینی مشتمل بر ۱۳ مقوله اصلی (اراده سازمانی، تشویق سازمانی، اجرای مدیریت دانش در سازمان، محدودیت های فردی، سازمانی، و اجتماعی، بهبود بینش، بهبود نگرش، و بهبود توانش، شرایط فردی، شرایط سازمانی، کارایی و اثربخشی مدیریت مدرسه) بوده است.

بحث و نتیجه گیری

موفقیت مدیران مدارس در توسعه آموزش کارآفرینی، وابسته به دانشی بوده که آنها برای این منظور دارند. دانش شخصی آنها در قالب دانش ضمنی در گذر زمان برای آنها فراهم شده است. آنها باید تلاش کنند تا به منظور راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدرسه از دانش ضمنی کلیه افرادی که در نظام آموزشی از نزدیک درگیری داشته و از دانش ضمنی فردی برخوردارند بهره مند شوند. هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل پارادیمی به اشتراک گذاری دانش ضمنی با هدف آموزش کارآفرینی در مدارس بوده است. بر اساس مصاحبه های انجام شده با مدیران با سابقه مدارس ابتدایی، ۱۳ مقوله اصلی فراهم شد. سه مقوله اصلی در بعد شرایط علی شامل اراده سازمانی، انگیزه سازمانی و اجرای مدیریت دانش بوده است. اهدافی که اراده سازمانی بر آنها مترتب است، وابسته به تلاش برای تحقق نیازهای آینده است. البته تشویق کارکنان از سوی سازمان در ایجاد انگیزه آنها برای به اشتراک گذاری دانش تأثیر گذار است. مدیران مدارس در صورتی که بتوانند به استقرار مدیریت دانش در مدارس اقدام نمایند، می توانند آموزش کارآفرینی در مدارس را برای دانش آموزان مهیا سازند. بر اساس یافته های پژوهش، اراده سازمانی شامل مواردی از قبیل اهمیت دادن سازمان به مدیریت دانش (در اولویت بودن خلق دانش، ذخیره سازی دانش، تسهیم و به اشتراک گذاری دانش)، حمایت از مدیران برای اجرای مدیریت دانش (حمایت اجتماعی از مدیران، حمایت عاطفی از مدیران، حمایت سازمانی از مدیران، و حمایت مالی از مدیران)، پیشرفت گرایی سازمانی (ارتقاء طلبی سازمانی، برند سازی مدرسه، رقابت پذیری) و روزآمدگی سازمانی (به روز کردن شیوه های تربیتی، شیوه های آموزشی، اداری مدرسه) است. انگیزه سازمانی شامل مواردی از قبیل ارتقای مرتبه شغلی اعضای نظام آموزشی (اعطای پایه شغلی تشویقی)، ارتقای سطح حقوق و دستمزد (افزایش حقوق، دستمزد، پاداش) است. اجرای مدیریت دانش در سازمان شامل مواردی از قبیل استقرار امکانات سخت افزاری مدیریت دانش (مجهز کردن مدرسه به فناوری اطلاعات و ارتباطات، راه اندازی سیستم شبکه اینترنت در مدرسه)، استقرار امکانات نرم افزاری مدیریت دانش (نصب نرم افزارهای آموزشی، راه اندازی وبسایت کنفرانس ها برای آموزش در مدرسه)، و توسعه پهنای باند اینترنت (برطرف سازی محدودیت های استفاده از شبکه های اینترنتی) است. منظور از اراده سازمانی عبارت است از ابتکاری که مدیریت برای ارائه خدمات به سازمان بدست می دهد تا گامی در راستای ارتقای و توسعه آن بردارد. این زمانی فراهم می شود که از حمایت لزوم در سازمان برخوردار باشد. در چنین حالتی سازمان به حدی از روزآمدی رسیده و پیشرفت می کند (van Hove, Steinberg, & England Agutter, 2017). از اینرو مادامی که اراده سازمانی پدیدار شود، تصمیم گیری ها برای راه اندازی فعالیت های جدید در مدارس مثل راه اندازی آموزش کارآفرینی اتخاذ می گردد.

انگیزه سازمانی بر اساس نظریه انگیزشی ۲هرزبرگ قابل تبیین است. او بر اساس نظریه دو عاملی بهداشت- محیط معتقد است در صورتی که به کارکنان بها و اهمیت داده شود تا حدی که احساس منزلت کنند، احساس دل بستگی به سازمان داشته و از اینرو برای سازمان خود بیشتر فعالیت می کنند و به فکر رشد و توسعه سازمان هستند (Reyhani, & Dehnavi, 2020). بر اساس این نظریه مادامی که اعضای نظام های آموزشی از انگیزه های شغلی لازم برخوردار باشند، بیشتر برای مدارس و دانش آموزان آن دغدغه داشته و برای بهبود وضعیت آموزش تلاش می کنند. اجرای مدیریت بر اساس نظریه مدیریت دانش (Nonaka & Takochi, 2006) قابل تبیین است. بر اساس این نظریه، دانش بر دو دسته صریح و ضمنی است. دانش آشکار شامل همان و دانش ضمنی شامل کلیه تجربیاتی است که ملموس و پدیدار نیست و در جایی نمی توان به آن مراجعه کرد، بلکه نزد افراد بر حسب تجربیات و توانایی هایی که در گذر زمان کسب کرده اند، قرار داد (Jafari

(Moghadam, 2003). از اینرو برای راه اندازی آموزش کارآفرینی در مدارس می توان از دانش ضمنی همه اعضای نظام آموزشی بهره جست و گامهای مؤثری در این رابطه برداشت.

یافته های پژوهش نشان داد؛ سه مقوله اصلی در بُعد راهبردها شامل بهبود بینش، نگرش، و توانش بوده است. توسعه به اشتراک گذاری دانش وابسته به بهبود نگرش، بینش، و توانش اعضای نظام آموزشی و مدارس است. در صورتی که نگرش معلمان و مدیران برای آموزش کارآفرینی تقویت شود، همواره از پی استفاده از شیوه هایی برای برنامه ریزی درسی هستند که بتوانند در کنار برنامه های درسی متداول با اجرای آموزش کارآفرینی در مدرسه پردازند. بر اساس یافته های پژوهش؛ بهبود نگرش شامل مواردی از قبیل مشاهده مدرسه داری (مشاهده برنامه های فوق برنامه، برنامه های جبرانی، برنامه های فرهنگی، تربینی، آموزشی)، روایت مدرسه داری (بازخوانی روایت های مدرسه داری در نشست ها، انجمن ها، شوراهای مدیران مدارس)، و مدرسه پژوهی (شناسایی چالش های مدرسه داری، شناسایی فرصت های مدرسه داری) است. بهبود بینش شامل مواردی از قبیل تلاش برای داشتن مدرسه بهره ور (شناسایی مدیریت متعالی مدرسه، شناسایی شاخص های مدرسه برتر، مدرسه کارآفرین)، مدرسه آینده (داشتن برنامه استراتژیک، برنامه ریزی معکوس، برنامه ریزی مبتنی بر تغییر)، و توانمندی کار در مدرسه کارآفرین (توانمندسازی شناختی، توانمندسازی روانشناختی و توانمندسازی جامعه محور) است. بهبود توانش شامل مواردی از قبیل شرکت در دوره های مدیریت آموزش کارآفرینی (حضور در کارگاههای آموزشی مدرسه داری، حضور در کارگاه آموزشی توانمندسازی مدیران مدارس)، حضور در جلسات کارآموزی (راه اندازی آموزش های مدیریت دستیار مدرسه) است. (Alport, 1935) در تعریف نگرش می نویسد: «حالتی ذهنی یا عصبی حاکی از تمایل، که از طریق تجربه سازمان یافته و بر پاسخ های فرد به تمامی موضوعات و موقعیت هایی که با آن در ارتباط است، تأثیری جهت دار یا پویا دارد» (Karimi, 2003). بر این اساس، نگرش به خودی خود در معلمان و مدیران پدیدار نمی شود، بلکه مستلزم مشاهده موقعیت ها و برنامه هایی بوده که در رابطه با آنها قرار گرفته و تجربه کرده اند. بنابراین هر اندازه برخورد های آنها با برنامه های آموزشی، تربیتی بیشتر بوده و در اجرای آنها مشارکت داشته اند، به همان اندازه در طراحی و اجرای آموزش کارآفرینی کمک های قابل ملاحظه ای را می توانند در مدرسه با همکاری کادر مدیریت آن ارائه دهند. نسبت به تجربیات کسب شده، افراد به حدی از خوداندیشی و اطمینان به خود می رسند که سازه های بینش را تشکیل می دهند (Amador, & David, 2004). از اینرو بسته به اینکه مدیران و معلمان مدارس چه نوع تجربیاتی را از برخورد با موقعیت های مختلف کسب کرده اند، بینش آنها مبتنی بر اطمینان به خود برای گام برداشتن به سوی راه اندازی آموزش کارآفرین در مدارس شکل می گیرد. پس بینش مدیران و معلمان نقش مهمی در اقدام برای توسعه دوره های آموزشی از قبیل آموزش کارآفرینی در مدارس و بهبود عملکرد آنها دارد. بینش و نگرش مثبت در مدیران و معلمان، احساس توانمندی را در آنها فراهم می سازد تا حدی که از ظرفیت هایی که دارند برای هدف راه اندازی آموزش کارآفرینی استفاده می کنند. چنانکه روانشناسان معتقدند که ادراک و اراده انسان با یکدیگر در رابطه هستند. از نظر آنها در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر می شود و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می شود. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می شود (Jalali, 2001).

یافته های پژوهش نشان داد؛ دو مقوله اصلی در بُعد عوامل زمینه ای شامل شرایط فردی و سازمانی بوده است. شرایط فردی شامل مواردی از قبیل توانایی مدیریتی (دارا بودن مدرک مدیریتی، دارای سابقه مدیریت مدرسه، دارا بودن سابقه معلمی)، توانایی مبتنی بر دانش (داشتن سابقه آموزشی، داشتن سمت های سازمانی، داشتن سوابق پژوهشاتی)، توانایی عاطفی (توانایی برقراری ارتباط با دیگران، حس نوع دوستی) و توانایی اجتماعی (توانایی مشارکت، روحیه همکاری، توانایی سازگاری با دیگران، توانایی مذاکره و بحث با دیگران، توانایی وفاق اجتماعی) است. شرایط سازمانی شامل مواردی از قبیل شیوه تصمیم گیری سازمانی (وجود سیستم غیرمتمرکز در سازمان، مدیریت مسئله محور، استفاده از شیوه تصمیم گیری مشارکتی)، ارزشهای فرهنگی سازمانی (وجود فرهنگ باز، وجود فرهنگ پویا، وجود فرهنگ پیشرفت گرایی، وجود ارزشهای مشترک در سازمان) و جو سازمانی (مساعد بودن جو سازمانی، غیررسمی بودن، خودمختار بودن افراد، داشتن اختیارات سازمانی، انعطاف پذیری نقش ها) است. فراهم سازی شرایط مناسب برای معلمان به منظور به اشتراک گذاری تجارب، موجب آن می شود تا شرایط به آنها یاری دهد تا از دانش خود در جهت استفاده از تغییرات پدیدار شده استفاده مؤثر نمایند. برای به اشتراک گذاری تجارب مدیریتی باید به تغییر فعالیت های مدیریتی و نیز به بازنگری وظایف و مسؤلیت های کمیته های مدیریت مدرسه با هدف تحقق اهداف پرداخته شود. لذا حرکت به سمت اهداف

آموزش کارآفرینانه وابسته به شرایطی بوده که مدیریت مدرسه برای اعضای نظام آموزشی بویژه طرفین یادگیری یعنی معلم و دانش آموزان فراهم می کند.

بر اساس نظریه ویژگی های افراد کارآفرین (Jahson, 2001)، شرایط فردی لازمه حرکت به سمت کارآفرینی است و کارآفرین فردی است پیشرو که خود را عامل و مسؤل اتفاقات می داند و می تواند راههای جدید پیشنهاد نماید. او هرگونه مخاطره در فرایندهای کاری را مدیریت می کند. البته شرایط سازمانی علاوه بر شرایط فردی در راه اندازی فعالیت های کارآفرین نقش به سزایی دارد و شرایط سازمانی تا حدی قابل توجه است که نظریه ای بنام کارآفرینی سازمانی شکل گرفته است. (Zahra, 1993) کارآفرینی سازمانی را فرایند ایجاد تجارب جدید می داند که از سوی سازمان هایی که وضعیت رقابتی و راهبرد تجارب فعلی را بهبود می بخشد، تولید می شود. از اینرو مدیران مدارس برای کسب مزیت رقابت پذیری باید از دانش ضمن اعضای نظام آموزشی برای راه اندازی و اجرای برنامه های نوینی مثل آموزش کارآفرینی بهره مند شوند.

یافته های پژوهش نشان داد؛ سه مقوله اصلی در بُعد عوامل مداخله گر مشتمل بر محدودیت های فردی، سازمانی، و اجتماعی بوده است. به اشتراک گذاری دانش مستلزم محدودیت هایی است که مانع از گسترش آن می شوند. در صورتی مدیران و معلمان در مدارس برای به اشتراک گذاری دانش با یکدیگر به منظور پیاده سازی دوره های آموزش کارآفرینی اقدام نمایند که تلاش شود، محدودیت فردی، سازمانی، و اجتماعی برطرف شوند. بر اساس یافته های پژوهش؛ محدودیت های فردی شامل ویژگی های شخصیتی مثل درون گرا بودن (ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران، عدم توانایی برای همکاری، داشتن روحیه فردی)، عادات کاری یا استفاده از برنامه های درسی کلیشه ای (انجام کارهای کلیشه ای و تکراری)، عدم انعطاف پذیری در برنامه ریزی (عدم تمایل به تغییر، عدم سازگاری با موقعیت های جدید) و کم بودن دانش و اطلاعات (عدم مطالعه و پژوهش، متکی بودن به دانش و تجارب قبلی، محدود بودن دانش به کار مشخص) است. محدودیت های سازمانی شامل نداشتن اختیارات (داشتن نقش سازمانی محدود، تحت کنترل بودن، اختیارات محدود)، وجود سیاست ها و خط مشی های خشک و از پیش تدوین شده (مدیریت با محوریت بخشنامه ها، مجاز نبودن برای فعالیت در خارج از آئین نامه ها، بوروکراسی اداری)، تصمیم گیری متمرکز (وجود ساختار از بالا به پایین، ارتباط یکسویه، محدود بودن تصمیم گیری در مراتب بالا)، ضعیف بودن امکانات سازمانی (کمبود منابع مالی، منابع کالبدی، عدم وجود مرکز یادگیری، ضعیف بودن امکانات مربوط به فناوری اطلاعات) است. محدودیت های اجتماعی شامل مشغله های خانوادگی (اداره کردن فرزندان، تأمین کردن مایحتاج خانواده، رسیدگی به مشکلات خانواده)، بیش از حد کار داشتن (داشتن چند شغل داشتن، چند شیفته کار کردن)، نداشتن وقت (نداشتن وقت آزاد برای دانش اندوزی و مطالعه)، و داشتن مسؤلیت های متعدد (داشتن مسؤلیت های درون سازمانی، داشتن مسؤلیت های برون سازمانی) است.

محدودیت های یاد شده بر اساس نظریه محدودیت ها (Ghazanfari, Mohammadi, & Shahnaghi, 2011) قابل تبیین است. عنوان این تئوری از این ایده ناشی می شود که هر سیستم در راه دستیابی به اهدافش دارای محدودیت هایی است و اینکه همواره حداقل یک محدودیت در سیستم وجود دارد. تئوری محدودیتها می گوید تا محدودیت سیستم را شناسایی و مابقی سازمان را بر اساس آن بازسازی کند تا سازمان در یک فرایند بهبود مستمر به اهدافش دستیابی پیدا کند.

یافته های پژوهش نشان داد؛ دو مقوله اصلی در بُعد پیامدها شامل کارآیی (درست انجام دادن فعالیت های آموزشی، درست انجام دادن فعالیت های تربیتی و روابط انسانی درست داشتن) و اثربخشی مدیران (دوری از انحراف از برنامه های آموزشی، تربیتی و سازمانی) مدارس بوده است. با توسعه به اشتراک گذاری دانش در مدارس، می توان اهداف آموزشی را تا سطح درونی سازی یادگیری و ایجاد ذهنیت بکار گیری محتوای درسی آموخته شده را برای دانش آموزان را ارتقاء بخشید. کارآیی مدیریت شامل مواردی از قبیل درست انجام دادن فعالیت های آموزشی (وظیفه شناسی، تعهد برای انجام درست فعالیت های آموزشی)، فعالیت های تربیتی (بهره گیری از فعالیت های تربیتی درست و کارآمد) و روابط انسانی درست داشتن (احترام به شأن و منزلت معلمان، کارکنان و دانش آموزان) می شود. اثربخشی مدیریت شامل مواردی از قبیل دوری از انحراف از برنامه های آموزشی (تلاش در اجرای درست برنامه های آموزشی، تلاش در توسعه برنامه های آموزشی)، دوری از انحراف از برنامه های آموزشی تربیتی (تلاش در اجرای درست برنامه های تربیتی و توسعه چنین برنامه ها) و دوری از انحراف از برنامه های سازمانی (تلاش در اجرای درست برنامه های سازمانی، تلاش در توسعه برنامه های سازمانی) می شود. نقش رهبری مدرسه در تدوین فرهنگ کاری مدرسه از طریق اجرای مؤثر مدیریت دانش قابل ملاحظه است. استفاده از دانش به روشی نوآورانه منجر به زمینه سازی فرصت هایی تازه در مدرسه می شود که از طریق آن فرصت ها می توان به برنامه های آموزشی مفید و با مزیت دست یافت. نیز مدیریت دانش در مدارس موجب بهبود نوآوری خدمات آموزشی به شیوه هایی کارآمد می شود. پیامدهای بهره گیری از فعالیت های مدیران مدارس مبتنی بر نظریه مدیریت تأثیر (Seyed Javadin, 2004) قابل تبیین است. بر اساس این نظریه، تلاش برای تحریک و کنترل اثرات و ارزیابی ها و پاسخ های دیگران به حضور و رفتار ماست و مدیریت تأثیر رفتارهایی را شامل می شود که بخشی از شرح شغلی فرد نیستند. مدیریت تأثیر اغلب

بد تعبیر می شود و افرادی را در ذهن مجسم می کند که قصد سوء استفاده از دیگران را دارند. در حالی که بر مبنای تعاملاتی که افراد با محیط دارند و بازخوری که از آن دریافت می کنند، اهداف و برنامه هایشان را برای کسب پیامدهای مطلوب و حداقل کردن پیامدهای نامطلوب تنظیم می کنند (Sharifi, & Nargesian, 2013). بنابر این مدیران مدارس باید تلاش کنند که به گونه ای بر اعضای نظام آموزشی لثر گذار باشند که آنها را برای راه اندازی آموزش های کارآفرینی و برنامه هایی که بر آن مترتب است، تحریک نمایند.

محدودیت های پژوهش

– روش نظریه داده بنیاد، بیش از حد بر قالب های از پیش اندیشیده برای مقوله ها و ممیزی پژوهشی نظریه تأکید می کند.
– با به کار بردن رویکرد نظام مند ممکن است که به جای اجازه پدیداری داده ها، مفاهیمی به داده ها تحمیل شود.
– نظریه سازی داده بنیاد نیازمند اوقاتی در سکوت و تنهایی است تا در تحلیل داده ها عمیق تر شود و همچنین نیازمند اوقاتی برای مشورت و بحث است.

پیشنهاد های پژوهش

بر اساس یافته های پژوهش، پنج پیشنهاد به قرار ذیل می باشند:

۱. بر اساس جدول ۵. در بخش عوامل علی پیشنهاد می شود که از سوی مدیران به نظرات و پیشنهادی معلمان و سایر اعضای نظام آموزشی بیش از پیش توجه شود. بدین ترتیب اشتیاق بیشتری در آنها برای اظهار نظر کردن در رابطه با نحوه پیاده سازی آموزش کارآفرینی پدیدار می شود.
۲. بر اساس یافته های جدول ۶ در بخش شرایط زمینه ای پیشنهاد می شود که از کلیه معلمان و سایر اعضای نظام آموزشی در تصمیم گیری ها استفاده شود و تصمیم گیری های آموزشی محدود به یک سری افراد تعریف شده که همواره در همه شوراهای مدرسه حضور دارند، نباشد.
۳. بر اساس یافته های جدول ۷. در بخش عوامل مداخله گر پیشنهاد می شود که سعی شود از عادات کاری و کلیشه ای که فعالیت های آموزشی مدرسه را محدود می کند، به سمت فعالیت های آموزشی جدید مثل آموزش های کارآفرینی حرکت شود.
۴. بر اساس یافته های جدول ۸. در بخش راهبردها پیشنهاد می شود که ارزیابی عملکرد از مدیران مدارس بر اساس فعالیت های جدیدی مثل راه اندازی آموزش کارآفرینی باشد که در مدرسه اجرا کرده اند نه فعالیت های نشأت گرفته از برنامه های متداول و روزمره.
۵. بر اساس یافته های جدول ۹ در بخش پیامدها پیشنهاد می شود که افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت های آموزشی بر ارزیابی میزان انحراف از برنامه ها در قالب توانایی هایی که در دانش آموزان قابل رؤیت است، صورت پذیرد و نه بر اساس نتایج ارزشیابی های مداد-کاغذی و ظاهری که در پایان دوره آموزشی از دانش آموزان بعمل می آید. به این ترتیب با اجرای فعالیت های آموزشی بجا و درست کارایی و اثربخشی نظام آموزشی افزایش یابد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این پژوهش با معرفی دقیق منابع مورد استفاده، اصل امانت داری علمی و رعایت راز داری در پژوهش مورد احترام واقع شده و با تأکید بر اصل امانت داری در نگارش پژوهش، به افراد شرکت کننده در تحقیق اطمینان داده شد که نتایج حاصل از نظرات آنها کاملاً محرمانه بوده و به صورت کلی استخراج خواهند شد.

حامی مالی

در این پژوهش از حمایت مالی هیچ سازمانی استفاده نشده است.

مشارکت نویسندگان

در ابتدای مقاله بر اساس سهم در تدوین مقاله نوشته شده است.

تعارض منافع

مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است

References

1. Abbaszadeh, Mohammad. (2012). A Reflection on Validity and Reliability in Qualitative Research, Applied Sociology, Twenty-Third Year, Serial Issue (45), First Issue, Spring, pp. 19-34. [Persian]

2. Ahadi, S., & Kasraie, S. (2020). Contextual factors of entrepreneurship intention in manufacturing SMEs: the case study of Iran. *Journal of Small Business and Enterprise Development*.
3. Ahmed, T., Rehman, I. U., & Sergi, B. S. (2019). A proposed framework on the role of entrepreneurial education and contextual factors. In *Entrepreneurship and Development in the 21st Century*. Emerald Publishing Limited.
4. Ahmad, F., & Karim, M. (2019). Impacts of knowledge sharing: a review and directions for future research. *Journal of Workplace Learning*.
5. Ahmad Pourdariani, Mahmoud; Moghimi, Mohammad.(2006). *Foundations of entrepreneurship*. Third edition. Tehran: Fara Andish Publications. [Persian]
6. Aghavirdi, Babak; Moghaddasi, Alireza; Sharifzadeh, Fattah .(2015). Factors Affecting Human Empowerment for Organizational Excellence (Case Study: Customs of the Islamic Republic of Iran), *Journal of Human Resources Studies*, Volume 6, Number 3, Fall, pp. 70-45. [Persian]
7. Agutter, C., van Hove, S., Steinberg, R., & England, R. (2017). *VeriSM-A service management approach for the digital age*. Van Haren.
8. Akhavan, Peyman; Imani, Sanaz. (2015). Investigating and Explaining the Factors Affecting Knowledge Sharing Using Foundation Data Theory and Using Fuzzy Dimethle-ISM Technique, *Journal of Information Processing and Management*, Volume 32, Number 1, Fall, pp. 122-91. [Persian]
9. Amador, X. F., & David, A. S. (Eds.). (2004). *Insight and psychosis: awareness of illness in schizophrenia and related disorders*. Oxford University Press.
10. Ansari, A. H., & Malik, S. (2017). Ability-based emotional intelligence and knowledge sharing. *VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems*.
11. Arnold, R. D., & Wade, J. P. (2015). A definition of systems thinking: A systems approach. *Procedia computer science*, 44(2015), 669-678.
12. Audretsch, D. B., Belitski, M., Caiazza, R., & Lehmann, E. E. (2020). Knowledge management and entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 1-13.
13. Bandera, C., Bartolacci, M. R., & Passerini, K. (2016). Knowledge management and entrepreneurship: A contradictory recipe. *International Journal of Knowledge Management (IJKM)*, 12(3), 1-14.
14. Bartol, K. M., & Srivastava, A. (2002). Encouraging knowledge sharing: The role of organizational reward systems. *Journal of leadership & organizational studies*, 9(1), 64-76.
15. Behrangi, Mohammad Reza; Tabatabai, Spring (2016). "Study of the relationship between entrepreneurial characteristics of managers and their effectiveness in girls' high schools in Kerman", *Journal of Leadership and Educational Management*, Volume 3, Number 2 (8 in a row), Summer, pp. 50-35 [Persian]
16. Brazeal, D.V. and Herbert, T.T. (1999), "The genesis of entrepreneurship", *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. 23 No. 3, pp. 29-45.
17. Cham, T. H., Lim, Y. M., Cheng, B. L., & Lee, T. H. (2016). Determinants of knowledge management systems success in the banking industry. *VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems*.
18. Cheng, E. C., & Chu, K. W. (2017). A normative knowledge management model for school development. *International Journal of Learning and Teaching*, 4(1), 76-82.
19. Creswell JW. (2007). *Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches*. London: sage publications.
20. Danaeifard, Hassan (2005). Theorizing Using Inductive Approach: Strategy for Conceptualizing Fundamental Theory, *Daneshvar Behavior Quarterly*, Volume 12, Number 11 (Special Management Articles 4), pp. 70-57. [Persian]
21. Danaeifard, Hassan; Emami, Seyed Mojtaba .(2007). A Reflection on Data Foundation Theorizing: Qualitative Research Strategies, *Management Thought Quarterly*, No. 2, pp. 97-69. [Persian]
22. Davis, S., Darling-Hammond, L., LaPointe, M., & Meyerson, D. (2005). *Developing successful principals*. Stanford Educational Leadership Institute, Ed.). Retrieved February, 20, 2009.
23. Dutta, D. K., Li, J., & Merenda, M. (2011). Fostering entrepreneurship: impact of specialization and diversity in education. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(2), 163-179.
24. Egbu CO and Botterill C (2002). Information technologies for knowledge management: their usage and effectiveness, *ITcon Vol. 7, Special issue ICT for Knowledge Management in Construction*, pg. 125-137, <https://www.itcon.org/2002/8>

25. Egerová, D., Ubrežiová, I., Nowiński, W., & Czéglédi, C. (2016). Entrepreneurship education: Opportunities and challenges for universities in Visegrad countries. Nava.
26. Eyal, O., & Inbar, D. E. (2003). Developing a public school entrepreneurship inventory. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*.
27. Fullan, M. (2002). The role of leadership in the promotion of knowledge management in schools. *Teachers and Teaching*, 8(3), 409-419.
28. Galvin, R. (2015). How many interviews are enough? Do qualitative interviews in building energy consumption research produce reliable knowledge? *Journal of Building Engineering*, 1, 2-12.
29. Ghazanfari, Mehdi; Mohammadi, Hussein; Shahnaghi, Kamran (2011). Application of Constraint Theory in Identifying and Solving Organizational Root Problems (a Case Study), *Journal of Tomorrow Management*, Ninth Year, Fall, pp. 36-354. [Persian]
30. Guba, E. G. and Y. S. Lincoln (2005). "Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences", In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research*. Third Edition, Thousand Oaks, CA: Sage. P: 194
31. Gurr, D. (2015). A model of successful school leadership from the international successful school principalship project. *Societies*, 5(1), 136-150.
32. Hajian, Elnaz; Sardar, Soheila (2017). Providing a Model for Measuring Internal and External Motivational Factors Affecting Employees' Tendency to Share Knowledge, *Iranian Journal of Information Science and Technology*, Volume 32, Number 4, Summer Pages 1093-1118 [Persian]
33. Hamburg, I. (2014). Improving Young Entrepreneurship Education and Knowledge Management in SMEs by Mentors. *World journal of education*, 4(5), 51-57.
34. Hanifi, Fariba; Rahimi, Mohammad Hossein (2009). The relationship between primary school principals' job motivation and their level of efficiency in the cities of Roodehen and Damavand, *Journal of Educational Management Research*, Volume 1, Number 1, Fall, pp. 88-75. [Persian]
35. Li, J., & Qin, J. (2022). Effect of teachers' knowledge sharing behavior on students' entrepreneurial motivation in social media environment. *International Journal of Emerging Technologies in Learning (iJET)*, 17(2), 143-157.
36. Islam, T., Zahra, I., Rehman, S. U., & Jamil, S. (2022). How knowledge sharing encourages innovative work behavior through occupational self-efficacy? The moderating role of entrepreneurial leadership. *Global Knowledge, Memory and Communication*, (ahead-of-print).
37. Islam, T., & Asad, M. (2021). Enhancing employees' creativity through entrepreneurial leadership: can knowledge sharing and creative self-efficacy matter?. *VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems*.
38. Jafari Moghadam, Saeed (2003). Documenting the experiences of managers (from the perspective of knowledge management), Publisher: Institute of Management Research and Training. First Edition [Persian]
39. Jahangiri, Ali (2003). Designing and Explaining the Entrepreneurship Model in Governmental Organizations, PhD Thesis in Public Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. [Persian]
40. Jahnson, D. (2001). What is Innovation and Entrepreneurship? Lesson for larger organizations. *Industrial and commercial training*, 33(4), 65-88.
41. Jalavandi, Shirin (2018). Explaining the concept of the role of tacit knowledge in the era of knowledge economics, *Economic Journal*, Nos. 1 and 2, April and May, pp. 143-117. [Persia]
42. Jalali, Hussein (2001). An Introduction to the Discussion of "Insight", "Tendency", "Action" and Their Interactions, *Knowledge Research Quarterly*, No. 50, pp. 55-45. [Persian]
44. Karimi, S., Biemans, H. J., Lans, T., Aazami, M., & Mulder, M. (2016). Fostering students' competence in identifying business opportunities in entrepreneurship education. *Innovations in education and teaching international*, 53(2), 215-229.
44. Karimi, Yousef (2003). *Social Psychology (Theories, Concepts, Applications)*, Tehran (Eleventh Edition), Arasbaran Publishing. [Persian]
45. Kasemsap, K. (2016). Advocating entrepreneurship education and knowledge management in global business. In *Handbook of research on entrepreneurship in the contemporary knowledge-based global economy* (pp. 313-339). IGI Global.
46. Kavanagh, C., Murphy, O., & Dwyer, O. (2014). Education is key to fostering entrepreneurial spirit.

47. Kilpatrick, S., Johns, S., Mulford, B., Falk, I., & Prescott, L. (2002). More than an education: Leadership of schoolcommunity partnerships. Rural Industries Research and Development Corporation: Canberra.
48. Kim., Jung- Hyun; Roselyn Lee., Jong-Eun .(2010).The Facebook Paths to Happiness: Effects of the Number of Facebook Friends and Self-Presentation on Subjective Well-Being, *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking* 14(6):359-64
49. King, A. W., & Zeithaml, CPAP .(2003). “Measuring organizational knowledge: A conceptual and methodology , *Strategic Management* ,V 24, Issue 8,pp.763-772.
<https://doi.org/10.1002/smj.333>
50. Kuo, Y. K., Kuo, T. H., & Ho, L. A. (2014). Enabling innovative ability: knowledge sharing as a mediator. *Industrial Management & Data Systems*.
51. Kvale, S. (1996). *InterViews – An introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, Kvale CA: Sage Publications.
52. Leung, C. H. (2010). Critical factors of implementing knowledge management in school environment: A qualitative study in Hong Kong. *Research Journal of Information Technology*.
53. Lin, S., & Xu, Z. (2017). The factors that influence the development of entrepreneurship education. *Management Decision*.
54. Maja, T. S. A. (2017). School management team members' understanding of their duties according to the personnel administration measures (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
55. Mulford, W., Mulford, B., Silins, H., & Leithwood, K. A. (2004). Educational leadership for organisational learning and improved student outcomes ,(Vol. 3). Springer Science & Business Media.
56. Nadason, S., Saad, R. A. J., & Ahmi, A. (2017). Knowledge Sharing and Barriers in Organizations: A Conceptual Paper on Knowledge-Management Strategy. *Indian-Pacific Journal of Accounting and Finance*, 1(4), 32-41.
57. Najafi Hezarjaribi, Habibullah; Dardi Mohammadi, Firoozeh (2016). A Study of the Role of Educational Management in the Development of School Entrepreneurship, *International Business Conference: Opportunities and Challenges [Persian]*
58. Nonaka, Ekoujiro; Takochi, Hirotaka (2006). *Knowledge Management of Knowledge-Creating Companies*, translated by Ali Atafar, Jabbar Eslami, Anahita Kaveh and Saeed Analoui, Publisher: Sama, First Edition. [Persian]
59. Nonaka, I., & Von Krogh, G. (2009). Perspective—Tacit knowledge and knowledge conversion: Controversy and advancement in organizational knowledge creation theory. *Organization science*, 20(3), 635-652.
60. Ozmen, F., & Muratoglu, V. (2010). The competency levels of school principals in implementing knowledge management strategies The views of principals and teachers according to gender variable. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 5370-5376.
61. Papayannakis, L., Kastelli, I., Damigos, D., & Mavrotas, G. (2008). Fostering entrepreneurship education in engineering curricula in Greece. Experience and challenges for a Technical University. *European Journal of Engineering Education*, 33(2), 199-210.
62. Pavitt, K. (1991), “Key characteristics of the large innovating firm”, *British Journal of Management*, Vol. 2 No. 1, pp. 41-50.
63. Perumal, S., & Sreekumaran Nair, S. (2022). Impact of views about knowledge and workplace relationships on tacit knowledge sharing. *Knowledge Management Research & Practice*, 20(3), 410-421.
64. Phong, L. B., Hui, L., & Son, T. T. (2018). How leadership and trust in leader’s foster employees' behavior toward knowledge sharing. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 46(5), 705-720.
65. and agency in car leasing. *Management Science*, 58(6), 1106-1121.
66. Rodrigues, A. P., Jorge, F. E., Pires, C. A., & António, P. (2019). The contribution of emotional intelligence and spirituality in understanding creativity and entrepreneurial intention of higher education students. *Education+ Training*, 61(7/8), 870-894.
67. Reyhani, F., & Dehnavi, H. D. (2020). What is the Priority of factors affecting on accountant’s motivation from motivation dimension? *JOURNAL OF MANAGEMENT AND ACCOUNTING STUDIES*, 8(1), 44-50.

68. Rofiaty, R. (2019). The relational model of entrepreneurship and knowledge management toward innovation, strategy implementation and improving Islamic boarding school performance. *Journal of Modelling in Management*.
69. Sabzeh, Batool (2018). Entrepreneurial Education: A New Approach in Preschool Education, *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, Twelfth Year, No. 51, Winter, 80-57. [Persian]
70. Sandhya, S., & Sulphrey, M. M. (2020). Influence of empowerment, psychological contract and employee engagement on voluntary turnover intentions. *International Journal of Productivity and Performance Management*.
71. Seyed Javadin, Seyed Reza (2004.) *Organizational Behavior Management*, Negah Danesh Publications, First Edition, Tehran [Persian]
72. Sharifi, Seyed Mehdi; Nargesian, Abbas (2013). Investigating the Relationship between Impact Management and Its Behavioral Consequences among Managers and Staff of University of Tehran Libraries, *Quarterly Journal of University Library and Information Research*, Volume 47, Number 1, Spring, pp. 112-97. [Persian]
73. Smith, H. A., & McKeen, J. D. (2003). Instilling a knowledge-sharing culture. *Queen's Centre for Knowledge-Based Enterprises*, 20(1), 1-17.
74. Solomon, G. T., Alabduljader, N., & Ramani, R. S. (2019). Knowledge management and social entrepreneurship education: lessons learned from an exploratory two-country study. *Journal of Knowledge Management*.
75. Srivastava, A., Bartol, K. M., & Locke, E. A. (2006). Empowering leadership in management teams: Effects on knowledge sharing, efficacy, and performance. *Academy of management journal*, 49(6), 1239-1251.
76. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
77. Studdard, N. L., Dawson, M., & Jackson, N. L. (2013). Fostering entrepreneurship and building entrepreneurial self-efficacy in primary and secondary education. *Creative and Knowledge Society*, 3(2), 1-14.
78. Thananusak, T. (2019). Science mapping of the knowledge base on sustainable entrepreneurship, 1996–2019. *Sustainability*, 11(13), 3565.
79. Van Hees, M. T. (2017). Statistical and theoretical prediction methods. *Encyclopedia of Maritime and Offshore Engineering*, 1-14.
80. Volkmann Ch., Wilson K.E., Mariotti S., Rabuzzi D., Vyakarnam S., Sepulveda A. (2009). Educating the Next Wave of Entrepreneurs, *World Economic Forum*. Available at: http://ncee.org.uk/wpcontent/uploads/2014/06/educating_the_next_wave_of_entrepreneurs.1.
81. Zafar, M. W., Saud, S., & Hou, F. (2019). The impact of globalization and financial development on environmental quality: evidence from selected countries in the Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). *Environmental science and pollution research*, 26(13), 13246-13262.
82. Zahra, S. A. (1993). Environment, corporate entrepreneurship, and financial performance: A taxonomic approach. *Journal of business venturing*, 8(4), 319-340.
83. Zaring, O., Gifford, E., & McKelvey, M. (2019). Strategic choices in the design of entrepreneurship education: an explorative study of Swedish higher education institutions. *Studies in Higher Education*, 1-16.